

ممنوعیت صدور مجوزهای
تدریس خصوصی در چین
برای «ترغیب فرزندآوری»



کمیسیون حقوق بشر:

سازمان ملل برای بررسی جنایات ضدبشری در افغانستان هیأت بفرستد

اطلاعات روز: کمیسیون مستقل حقوق بشر
افغانستان یک بار دیگر از سازمان ملل متحد
خواسته است که به منظور بررسی و...

صفحه ۲

فرمانده سنتکام در دیدار با محمدی:

حملات هوایی نیروهایی امریکایی ادامه می‌یابد



صفحه ۲

گرگ را گرگ بخوانیم

صفحه ۳

ارتش پاکستان و نگاه عمق استراتژیک به افغانستان

صفحه ۷

یادداشت روز

با کلید خوردن پایان «اشغال»، تلفات ملکی در افغانستان رکورد زد

پس از ماه‌ها مذاکره میان بزرگ‌ترین ابرقدرت
جهان و گروه بنیادگرای طالبان سرانجام
روز شنبه، ۱۰ حوت ۱۳۹۸، (۲۹ فبروری)،
توافق‌نامه‌ای با عنوان «موافقت‌نامه آوردن
صلح به افغانستان» میان طرفین امضا شد.
موافقت‌نامه مذکور دارای چهار بخش اصلی به
شرح ذیل بود:

۱. تضمین‌ها و روش‌های عملی برای
جلوگیری از استفاده از خاک افغانستان از
سوی هیچ گروه یا فردی علیه امنیت آمریکا
و متحدانش؛
۲. تضمین‌ها و مکانیسم‌های عملی و یک
برنامه زمان‌بندی شده برای خروج تمام قوای
خارجی از افغانستان؛
۳. زمانی که این تضمین‌ها عملی شدند با
حضورداشت برخی شاهدان بین‌المللی، طالبان
مکلفند تا گفت‌وگوهای بین‌الافغانی را با
جمهوری اسلامی افغانستان آغاز کنند؛
۴. و در نهایت قطع جنگ و آتش‌بس در اجندای
گفت‌وگوهای بین‌الافغانی قرار گیرد...

۲

افزایش ۴۷ درصدی تلفات غیرنظامیان در شش ماه گذشته؛ می و جون مرگ‌بارترین ماه‌ها بوده است

هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) گزارش نیمه‌ی اول این سازمان در مورد تلفات غیرنظامیان در افغانستان را منتشر کرد. این گزارش نشان می‌دهد که تلفات غیرنظامیان در جریان شش ماه نخست سال جاری میلادی به بالاترین سطح خود رسیده و در مقایسه به زمان مشابه در سال گذشته‌ی میلادی، ۴۷ درصد افزایش یافته است.



صفحه ۵

ترجمه ۴

نقش بازیگران خارجی در روند صلح؛ مشوق‌های اتحادیه اروپا (۱)

مشوق‌ها و مشروطیت‌های ادغام در روابط قراردادی خود
با کشورهای ثالث استفاده کند. مشوق‌های ادغام، ویژه‌ی
اتحادیه اروپا است که خود یک پروژه ادغام است. این
پروژه‌ها به روشنی مربوط به روند الحاق هستند که شامل
انگیزه‌ی عضویت برای بسیج در...

اتحادیه اروپا با تصور تلاش برای صلح‌سازی، حل منازعات
در خارج از مرزهای خود را به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین
اولویت‌های سیاست خارجی خود معرفی کرده است.
به‌ویژه هنگامی که صحبت از حل منازعات در مناطق
هم‌مرز با اتحادیه اروپا می‌شود، این اتحادیه می‌تواند از

ترجمه ۴



امریکا باید از مقاومت مردمی علیه طالبان حمایت کند

پیروزی‌های طالبان و خروج ایالات متحده افغانستان را
گیج کرده و دستاوردهای ۲۰ ساله این کشور از جمله
حقوق زنان، آزادی مطبوعات و ارزش‌های دموکراتیک را
در معرض خطر قرار داده است. با این حال در سفر اخیرم
به افغانستان و در جلساتی که با...

تحلیل

تروریسم و مواد مخدر؛ رویکرد طالبان چیست؟

در سال ۲۰۰۴ وقتی رابرت چارلس در گنجره‌ی
ایالات متحده آمریکا بیابیه رسمی را می‌خواند گفت
که رابطه عمیق و هم‌افزایی میان تروریسم و مواد
مخدر وجود دارد. در واقع زرع مواد مخدر، شبکه‌های
بزرگ قاچاق و پالایش آن از عمده‌ترین منابع
مالی اقتصاد جنگی گروه‌های تروریستی می‌باشد.
برای همین جغرافیایی کشت مواد مخدر عموماً
در کشورهای است که تروریسم در آن ریشه‌های
عمیق داشته و مستعد زایش خشونت و افراط‌گرایی
می‌باشند.

منطقه «هلال طلایی» که شامل افغانستان، جنوب
غربی پاکستان و جنوب شرقی ایران می‌شود از
عمده‌ترین جغرافیایی کشت، بسته‌بندی، پالایش و
قاچاق مواد مخدر است که سهم اساسی در چرخش
این پدیده‌ی امنیت‌سوز دارند. پیش از گیرافتادن
افغانستان به یک چرخه...

۳



بسته‌های ویژه اینترنتی برای بلاک‌های رهائشی و خانه‌های انفرادی



Info@afghanet.com | +93 (0) 797 777 275

ادامه‌یادداشت‌روز

طرف‌های درگیر مکلفند تا براساس تصمیم نشست بین‌الافغانی روی تاریخ و چگونگی این آتش‌بس بحث و تاریخ آن را مشخص کنند.

در زمان امضای این توافق‌نامه، بسیاری از آن به‌عنوان یک «سند تاریخی» یاد کردند. گروه بنیادگرای طالبان محتوای این توافق‌نامه را یک دست‌آورد مهم و یک پیروزی بزرگ برای خود قلمداد می‌کرد و در شروع مذاکرات صلح دوحه، اصرار داشت تا آن را مبنای مذاکرات بین‌الافغانی قرار دهد. در طرف دیگر ماجرا، امریکایی‌ها بودند که می‌توانستند با اتکا به این توافق‌نامه به دو دهه حضور خود در افغانستان پایان دهند و مطمئن باشند که دیگر از خاک افغانستان هیچ فرد یا گروهی علیه امنیت امریکا و متحدانش اقدامی نمی‌کند. دولت افغانستان با اینکه از امضای توافق‌نامه رضایت چندانی نداشت اما به‌دلیل اینکه خود را در یک تنگنا احساس می‌کرد و به عبارتی چاره‌ای نداشت، آن را پذیرفت. در همین راستا برای نشان‌دادن حسن‌نیت خود، بیش از پنج‌هزار زندانی طالبان را از زندن‌های کشور آزاد کرد و خود را برای گفت‌وگوهای صلح آماده کرد.

اگر به عنوان توافق‌نامه امریکا و طالبان دقت کنیم، نام آن «موافقت‌نامه آوردن صلح به افغانستان» است. فرایندی که با گذشت یک سال و چند ماه هنوز محقق نشده است. بلکه شدت درگیری‌ها، خشونت‌ها و میل به مهاجرت و آوارگی به‌صورت قابل‌توجهی در افغانستان افزایش یافته است. نکته بعدی که در توافق‌نامه مذکور، حایز اهمیت است در محتوای بخش چهارم است که طرف‌های درگیر در منازعه را متعهد می‌ساخت تا براساس تصمیم نشست بین‌الافغانی روی تاریخ و چگونگی یک آتش‌بس سرتاسری توافق کنند و همچنان سطح خشونت‌ها کاهش یابد. نیاز به توضیح نیست که هیچ‌کدام از مواردی که اشاره شد عملی نشد.

یعنی نه صلح به افغانستان آمد و نه آتش‌بس صورت گرفت. اما آنچه که در عمل اتفاق افتاد و مردم افغانستان آن را با پوست و خون لمس کردند خشونت، وحشت عمومی، ترس، بی‌پناهی و نگرانی از آینده‌ی نامعلوم بود. امریکا با حمایت ضمنی جامعه جهانی و به واسطه محتوای توافق‌نامه‌اش با طالبان این گروه سلفی و عقل‌ستیز را مشروعیت بخشید، تطهیر کرد و ماشین کشتار آنان را فعال‌تر ساخت.

گروه بنیادگرای طالبان همیشه مدعی بوده که خاک افغانستان در اشغال است. لذا تا زمانی که این اشغال پایان نیابد، آن‌ها همچنان در برابر اشغال‌گران جهاد می‌کنند. با توجه به مفاد توافق‌نامه و کلیدخوردن خروج نیروهای خارجی از افغانستان انتظار می‌رفت که این گروه عقل‌ستیز، دیگر دلیلی برای کشتار، ترور و خلق وحشت نداشته باشد. اما درست زمانی که خروج نیروهای خارجی از افغانستان کلید خورد و زمان‌بندی خروج آن‌ها مشخص شد، به‌یکباره ماشین کشتار طالبان فعال‌تر شد. به طوری که دیروز نمایندگی دفتر ملل متحد «یوناما» در گزارش تازه خود از تلفات افراد ملکی، اعلام کرد که در شش ماه نخست سال ۲۰۲۱ میلادی، رقم تلفات غیرنظامیان رکورد شکسته است. گزارش یوناما نشان می‌دهد که طی شش ماه اول سال جاری میلادی، بیش از پنج‌هزار فرد ملکی در افغانستان کشته و یا زخمی شده‌اند. این در حالی است که بر اساس گزارش مذکور نسبت به زمان مشابه در سال قبل، این رقم ۴۷ درصد افزایش یافته است.

پرسش اساسی این است که چه کسی مسئول تولید این آمار و ارقام است؟ گزارش یوناما نشان می‌دهد که گروه عقل‌ستیز و بنیادگرای طالبان مسئول تولید بالاترین رقم (۳۹ درصد) تلفات افراد ملکی در افغانستان هستند. بنابر آمار یوناما ۵۱۸۳ نفر طی نیمه اول سال ۲۰۲۱ کشته و زخمی شده‌اند که از این تعداد ۱۶۵۹ نفر کشته و ۳۲۵۴ زخمی شده‌اند. آمارها و ارقام به دلیل ماهیت کمی خود هیچ‌گاه نمی‌توانند بیان‌کننده واقعیت‌های کیفی و زندگی قربانیان باشند. آنچه در آمارها قابل مشاهده نیست، میزان درد و رنج قربانیان، ترس و وحشت عمومی و در نهایت آوارگی و بی‌پناهی قربانیانی است که قربانی قدرت‌طلبی و جنگ‌افروزی گروه بنیادگرای طالبان شده‌اند. گزارش یوناما نشان می‌دهد که رقم قابل‌توجهی از قربانیان خشونت‌های اخیر طالبان را زنان و کودکان تشکیل می‌دهد. گروهی که هیچ نقشی در معادلات قدرت و جنگ نداشته‌اند.

اطلاعات روز: کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان یک بار دیگر از سازمان ملل متحد خواسته است که به‌منظور بررسی و پی‌گیری تخطی‌ها و جنایات ضدبشری در کشور، یک هیأت حقیقت‌یاب به افغانستان بفرستد.

این کمیسیون دیروز (دوشنبه، ۴ اسد) در اعلامیه‌ای، از درخواست وزارت امور خارجه برای برگزاری نشست فوق‌العاده‌ی شورای حقوق بشر سازمان

ملل برای ارسال هیأت حقیقت‌یاب به افغانستان استقبال کرده است.

کمیسیون حقوق بشر اعزام این هیأت را به افغانستان ضروری دانسته و در عین حال بر همه‌جانبه و جامع‌بودن دستور کار این هیأت برای رسیدگی به اتهامات مطرح در مورد تخطی‌ها از سوی طرف‌های درگیر، تأکید کرده است.

در اعلامیه‌ی کمیسیون حقوق بشر آمده است که پس از حمله بر مکتب

سیدالشهدا، خواستار بررسی و تحقیق تیم متخصص و مستقل از محققان سازمان ملل در مورد این حمله و موارد دیگر از نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه، به‌ویژه قتل‌های هدفمند فعالان مدنی و رسانه‌ای، حمله بر مکان‌های آموزشی و اقلیت‌های قومی و مذهبی شده است.

این درحالی است که کمیسیون حقوق بشر در تاریخ ششم سرطان نیز گفته

سازمان ملل برای بررسی جنایات ضدبشری در افغانستان هیأت بفرستد

کمیسیون حقوق بشر:

بود که یک هیأت حقیقت‌یاب بین‌المللی از سوی سازمان ملل متحد تعیین و جنایات علیه غیرنظامیان از جمله قتل‌های هدفمند، حملات بر اقلیت‌های قومی و مذهبی و نهادهای آموزشی را تحقیق کند.

این کمیسیون در آن زمان از حکومت افغانستان نیز خواسته بود که از این خواست حمایت و در زمینه‌ی تشکیل این هیأت و تحقیق آن همکاری کند.

تغییر موضع نظامیان دولتی به حالت تعرضی؛

بیش از ۳۰ ولسوالی از طالبان پس گرفته شده است

به گفته‌ی آقای شینواری، در جریان این عملیات یک‌هزار و ۵۲۸ جنگ‌جوی طالبان کشته و ۸۰۱ جنگ‌جوی دیگر این گروه زخمی شده‌اند. افزون بر این‌ها، ۱۶ جنگ‌جوی دیگر طالبان هم توسط نظامیان دولتی بازداشت شده‌اند.

او همچنین گفت که ۱۴ غیرنظامی در این مدت توسط طالبان کشته و ۲۹ غیرنظامی دیگر توسط جنگ‌جویان این گروه زخمی شده‌اند. سخن‌گوی قوای مسلح کشور افزود: «تعداد زیادی از تأسیسات عام‌المنفعه و اماکن دولتی در مناطقی که در آن‌جاها جنگ جریان دارد، توسط طالبان [هم] ویران و به آتش کشیده شده است.»

سخن‌گوی قوای مسلح کشور تأکید کرد که تاکنون در بیشتر نقاط کشور این روند تطبیق شده است و نیروها به حالت تعرضی تغییر موضع داده‌اند.

همچنین او گفت که این نیروها تاکنون کنترل بیش از ۳۰ ولسوالی را به‌دست گرفته‌اند. به گفته‌ی اجمل عمر شینواری، در بیشتر نقاط این مناطق، تحکیمات مدافعوی ایجاد و یا هم تقویت شده است.

از سویی هم، او گفت که نیروهای دفاعی و امنیتی کشور در یک هفته‌ی گذشته، ۱۵۴ عملیات شامل ضربات هوایی، توپچی، تصفیوی، تصرف، خاص و دستگیری را علیه جنگ‌جویان طالبان راه‌اندازی کرده‌اند.

اطلاعات روز: اجمل عمر شینواری، سخن‌گوی قوای مسلح کشور می‌گوید که نیروهای امنیتی و دفاعی در اکثر نقاط کشور از حالت دفاعی به حالت تعرضی تغییر موضع داده‌اند.

آقای شینواری که دیروز (دوشنبه، ۴ اسد) در یک نشست خبری در کابل صحبت می‌کرد، همچنین گفت در ساحاتی که تهدیدات بلند است، نیروهای امنیتی و دفاعی در حالت دفاعی قرار دارند.

به گفته‌ی او، ابتدا در این ساحات دفاع شدیدتر می‌شود و سپس با تجدید نیروها، این نیروها به حالت تعرضی تغییر موضع می‌دهند.

فرمانده سنتکام در دیدار با جیدی:

حملات هوایی نیروهای امریکایی ادامه می‌یابد

طالبان را در بخش‌های مختلف قندهار و هلمند در جنوب افغانستان هدف قرار داده بودند.

سخن‌گوی پنتاگون در یک نشست خبری گفته بود که این حملات هوایی در حمایت از نیروهای دفاعی و امنیتی افغانستان انجام شده است.

گروه طالبان حملات هوایی نیروهای امریکایی را سرپیچی از توافق‌نامه‌ی دوحه دانسته و نسبت به عواقب آن هشدار داده بود.

حمایت از نیروهای هوایی افغانستان خبر داده است.

آقای امان همچنین نوشته است که فرمانده سنتکام از ادامه‌ی کمک و همکاری‌های کشورش به نیروهای دفاعی و امنیتی افغانستان، به‌ویژه نیروهای هوایی این کشور اطمینان داده است.

به گفته‌ی امان، سرپرست وزارت دفاع ملی کشور از کمک و همکاری ایالات متحده‌ی امریکا به نیروهای دفاعی و امنیتی قدردانی کرده است. آقای

اطلاعات روز: وزارت دفاع کشور اعلام کرده است که سترجنرال بسم‌الله محمدی، سرپرست این وزارت با جنرال فرانک کنت مک‌کنزی، فرمانده ستاد فرماندهی مرکزی امریکا (سنتکام) در کابل دیدار کرده است.

فواد امان، معاون سخن‌گوی وزارت دفاع دیروز (دوشنبه، ۴ اسد) در صفحه‌ی رسمی فیسبوک خود نوشته است که مک‌کنزی در این دیدار از ادامه‌ی حملات هوایی نیروهای امریکایی در

محمدی تأکید کرده است که ادامه‌ی همکاری‌های امریکا با افغانستان در امر مبارزه با تروریسم بسیار موثر و مهم است.

این درحالی است که فرمانده سنتکام دو روز پیش نیز در صحبت با خبرنگاران گفته بود که اگر طالبان به حملات نظامی‌شان پایان ندهند، هدف حملات هوایی نیروهای امریکایی قرار خواهند گرفت.

نیروهای امریکایی چند روز پیش مواضع

چهار خبرنگار محلی در قندهار توسط امنیت ملی بازداشت شدند

افغانستان (یوناما) گفته است که این موضوع را بررسی می‌کند. دادستانی کل افغانستان هم در اعلامیه‌ای کشتار ده‌ها باشنده‌ی ولسوالی اسپین‌بولدک را مصداق بارزی از جرایم بین‌المللی خوانده و گفته است که در کد جزای کشور تحت جرایم نسل‌کشی و جنایت جنگی جرم‌انگاری شده است.

این نهاد گفته بود که به ارگان‌های امنیتی و کشفی هدایت داده شده است تا در هماهنگی با ریاست دادستانی مبارزه با جرایم بین‌المللی، «قتل عام» باشندگان اسپین‌بولدک را بررسی کنند.

بیشتر نقاط این ولایت حضور و فعالیت گسترده دارند. این گروه در ماه‌های اخیر در حملاتش در این ولایت شدت بخشیده و ولسوالی اسپین بولدک را هم سقوط داده‌اند.

روز جمعه‌ی هفته‌ی گذشته وزارت داخله اعلام کرد که طالبان پس از تصرف این ولسوالی، حدود ۴۰۰ غیرنظامی را از خانه‌های‌شان بیرون و حدود ۱۰۰ نفر آنان را تیرباران کرده‌اند.

گروه طالبان اما این موضوع را رد کرده است.

هیأت معاونت سازمان ملل متحد در

اسپین‌بولدک رفته بودند. انجمن خبرنگاران آزاد افغانستان توضیح داده است که بازداشت‌شدگان شامل بسم‌الله وطن‌دوست، قدرت سلطانی و محیب عبیدی خبرنگاران «راديو صدای ملت» و ثنالله صیام، خبرنگار آژانس خبری «شینوا» اند.

این انجمن همچنین خواستار رهایی فوری این خبرنگاران شده‌اند.

ریاست امنیت ملی قندهار هنوز در این مورد چیزی نگفته است.

ولایت قندهار در جنوب کشور از ولایت‌های ناامن است که جنگ‌جویان طالبان در

اطلاعات روز: انجمن خبرنگاران آزاد افغانستان می‌گوید که چهار خبرنگار محلی در ولایت قندهار توسط ریاست امنیت ملی این ولایت بازداشت و زندانی شده‌اند. انجمن خبرنگاران آزاد افغانستان با نشر اعلامیه‌ای گفته است که نیروهای امنیتی ملی این خبرنگاران را دیروز (دوشنبه، ۴ اسد) به‌دستور شورای امنیت ملی در هنگام بازگشت از ولسوالی اسپین‌بولدک، در شهر قندهار بازداشت کرده‌اند.

به نقل از اعلامیه، این افراد برای تهیه‌ی گزارش تحقیقی در مورد «قوم‌کشی» توسط جنگ‌جویان گروه طالبان به ولسوالی

سازمان جهانی صحت ۵۰۰ پایه دستگاه تولید آکسیجن را به افغانستان کمک کرد

در شفاخانه‌های ویژه‌ی کرونا مواجه بود. این کمبود تا حدودی رفع شده است، اما هنوز هم به‌عنوان یک چالش باقی است.

آمارهای وزارت صحت عامه نشان می‌دهد که در روزهای اخیر میزان ابتلا به کرونا و مرگ ناشی از این ویروس کاهش یافته است. مسئولان در این وزارت تأکید می‌کنند که کاهش در آمار روزانه به معنای پایان موج سوم کرونا نیست.

در همین حال، وژمه سالمی، معین مالی و اداری وزارت صحت عامه ضمن قدردانی از کمک و همکاری‌های سازمان جهانی صحت با افغانستان، وعده کرده است که این دستگاه‌ها را به‌طور عادلانه به مراکز صحتی که به آن نیاز دارند، توزیع خواهند کرد. این درحالی است که افغانستان در ابتدای موج سوم کرونا عملاً با کمبود آکسیجن برای درمان مریضان کرونایی

براساس معلومات وزارت صحت عامه، هر یک از این دستگاه‌ها ظرفیت تولید هشت لیتر آکسیجن را در یک دقیقه دارا است.

لیودا پنگ ابراز امیدواری کرده است که این مساعدت بتواند افغانستان را در راستای مبارزه با موج سوم ویروس کرونا کمک کند.

او بر ادامه‌ی همکاری‌های سازمان جهانی صحت با بخش صحت افغانستان تأکید کرده است.

اطلاعات روز: وزارت صحت عامه‌ی افغانستان اعلام کرده است که سازمان جهانی صحت ۵۰۰ پایه دستگاه تولید آکسیجن را به این کشور کمک کرده است.

این مقدار دستگاه دیروز (دوشنبه، ۴ اسد) از سوی لیودا پنگ، مسئول عمومی نمایندگی سازمان جهانی صحت رسماً به وژمه سالمی، معین مالی و اداری به وزارت صحت عامه در کابل تسلیم داده شده است.

ایومسلم خراسانی

در سال ۲۰۰۴ وقتی رابرت چارلس در گنجره ایالات متحده آمریکا بیانیه رسمی را می‌خواند گفت که رابطه عمیق و هم‌افزایی میان تروریسم و مواد مخدر وجود دارد. در واقع زرع مواد مخدر، شبکه‌های بزرگ قاچاق و پالایش آن از عمده‌ترین منابع مالی اقتصاد جنگی گروه‌های تروریستی می‌باشد. برای همین جغرافیایی کشت مواد مخدر عموماً در کشورهای است که تروریسم در آن ریشه‌های عمیق داشته و مستعد زایش خشونت و افراط‌گرایی می‌باشند. منطقه «هلال طلایی» که شامل افغانستان، جنوب غربی پاکستان و جنوب شرقی ایران می‌شود از عمده‌ترین جغرافیایی کشت، بسته‌بندی، پالایش و قاچاق مواد مخدر است که سهم اساسی در چرخش این پدیده‌ی امنیت‌سوز دارند. پیش از گیرافتادن افغانستان به یک چرخه خشونت و جنگ و تروریسم، کشورهای دیگر تولیدکننده اصلی مواد مخدر بودند که به «منطقه هلالی» مشهور بود و بخش قابل ملاحظه مواد مخدر جهان را تولید و قاچاق می‌کرد.

هرچند کشت مواد مخدر در افغانستان قدامت تاریخی دارد، اما آغاز پیکار و مبارزه مسلحانه در برابر تجاوز شوروی در جنگ افغانستان، جنگ داخلی درون‌گرومی مجاهدین، ظهور و قدرت‌گیری جنگ‌سالاران بزرگ سرآغاز کشت، پالایش و قاچاق عمده تریاک می‌باشد. وقتی در سال ۱۹۹۴ طالبان از دل جنگ‌های داخلی با ایدئولوژی اسلامی با نسخه افراطی‌تر، سخت‌گیرتر و خشونت‌بارتر پرتاب شدند، تولید و قاچاق مواد مخدر به اوج خود رسید و زایش طالبان با زایش توفانی پدیده‌ی مواد مخدر به پیمان‌های وسیع آن هم‌زاد بود.

در واقع تریاک و تولید مواد مخدر استوانه اقتصاد جنگی طالبان را تمویل می‌کرد. هر چند کشت و فروش مواد مخدر و نشه‌آور در اسلام حرام است اما رهبران مذهبی طالبان یک توجیه نیم‌بند و دلیل لرزان را برای مشروعیت‌بخشی آن ساخته بودند که دهقانان را برای زرع آن تشویق کرده و ماشین جنگی خود را که از راه فروش مواد مخدر تمویل می‌شد، به جریان بیندازند. توجیه طالبان برای زرع تریاک نیز یک مکر بود که می‌خواست توسط مردم را فریب بدهند.

احمد رشید، روزنامه‌نگار و نویسنده‌ی پرآوازه و نام‌آشنای پاکستانی در سال ۱۹۹۷ با مسئول مبارزه با مواد مخدر طالبان در قندهار دیدار کرده است. او نقل می‌کند که رییس عمومی مبارزه با مواد مخدر دستگاه رژیم طالبان استدلال می‌کرد که کشت چرس را حرام و زرع تریاک را مجاز دانسته است. به باور این مقام بلند طالبان، تریاک تولیدشده را غربی‌ها و کفار مصرف می‌کنند، برای همین کشت آن مجاز و چرس استفاده داخلی دارد و افغان‌ها از آن استفاده می‌کنند که برای همین حرام است.

استدلال دیگر طالبان این بود که در صورت قدغن کردن زرع تریاک، دهقان‌ها و زارع‌ها علیه آن‌ها شورش کرده و برای حکومت و امنیت رژیم آن‌ها مشکل بزرگ ایجاد می‌شود. این دلیل طالبان بی‌بنیاد بود و آن‌ها صرفاً برای توجیه کشت و تولید و قاچاق تریاک به مقیاس جهانی آن متوسل به دلایلی می‌شدند که هیچ مصداق عینی و قانع‌کننده نداشت. وگرنه شورش دهقانان در حاکمیت طالبان با آن همه



تروریسم و مواد مخدر؛

رویکرد طالبان چیست؟

بعد از سقوط نخست رژیم طالبان و خیزش دوباره‌ی مردم‌ریگ ایدئولوژی سیاه و افراط‌گرایی بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ طالبان با رویکرد گسترده‌ای به قاچاق مواد مخدر رو آوردند. آن‌ها تصور می‌کردند که با درآمد از مواد مخدر می‌توانند علیه آمریکا و نظام پس‌ابن بکنند. طالبان از نظر نظامی هزاران جنگجوی خارجی را اسکان داده و مجوز کردند و از سوی دیگر صدها شبکه گسترده مواد مخدر را ایجاد کرده و هلمند و بدخشان و ننگرهار را به کانون اصلی مواد مخدر و تولید هیروئین تبدیل کردند.

به این ترتیب نه‌تنها در افغانستان بلکه تروریسم منطقه و گروه‌های خشونت‌گستر و افراطی مانند القاعده، سپاه صحابه، جندالله، ترکستان شرقی و جیش محمد از این فرایند سود برده و کار مواد مخدر را به‌گونه‌ی گسترده‌تر همگام با طالبان آغاز کردند. امروزه علاوه از طالبان ده‌های گروه دیگر کار پالایش و قاچاق تریاک را از طریق افغانستان به منطقه و کشورهای اروپایی انجام می‌دهند و از پول آن جنگ‌افزار و مهمات می‌خرند تا چرخ خشونت بچرخد و نان و نوای برای خوردند داشته باشند.

برای همین رابطه‌ی پیچیده و تقویت‌کننده تروریسم و مواد مخدر است که کشت تریاک و تولید هیروئین در جغرافیای تروریسم‌خیز و مستعدزایش خشونت رشد می‌یابد. در افغانستان نیز چنین بوده است. تا زمانی که تروریسم هنوز قد و قامت بلند اکتون را نداشت، تریاک و مواد مخدر نیز رو به گسترش نبود و همین که تروریسم در افغانستان ریشه‌های خود را گستراند و پر و بال یافت، مواد مخدر نیز به پیمان‌های جهانی افزایش یافت و افغانستان سرزمین تریاک، خشونت و تروریسم شد.

طالبان، تریاک و فصل جدید

فصل جدید طالبان بعد از خیزش دوباره آن‌ها در اوایل دوره دوم ریاست‌جمهوری حامد

گسترش فزاینده‌ی مواد مخدر به

مثابه تروریسم امنیت منطقه و

جهان را تهدید می‌کند و طالبان

نیز نه‌تنها هم‌آغوشی را با این دو

پدیده امنیت‌سوز و زندگی‌ستیز

قطع نکرده‌اند بلکه برای گسترش

خشونت‌ها و حملات نظامی از

تروریسم جهانی به مثابه باور نظامی و

از قاچاق مواد مخدر به عنوان هسته و

ستون اقتصادی استفاده می‌کند.

کرزی رییس‌جمهوری پیشین، سه سال پیش زمانی آغاز شد که زلمی خلیل‌زاد نماینده ویژه‌ی آمریکا برای صلح افغانستان مذاکرات نظام‌مند و دوام‌داری را آغاز کرد که دیپلماسی آن منجر به توافق‌نامه دوحه و حضور فعال طالبان در منطقه شد. بعد از قدرت‌گیری این گروه با کمک پاکستان و هم‌آغوشی با القاعده و جهادگران بین‌المللی حضور فعال طالبان در کشورهای منطقه دومین خیزش سیاسی -

نظامی این گروه بود. طالبان در موافقت‌نامه دوحه برای امریکایی‌ها تعهد کردند که رابطه خود را با تروریسم جهانی و القاعده قطع کرده و جنگجویان این گروه را از افغانستان بیرون می‌کنند. در واقع این رویکرد و تعهد طالبان مبنی بر قطع رابطه با جهادگران بین‌المللی نشان از رویکرد جدید طالبان دارد اما شواهد عینی و بررسی‌های جهانی نشان می‌دهد که طالبان نه‌تنها به تعهد خود عمل نکردند بلکه رابطه آن‌ها با تروریسم جهانی و القاعده مستحکم‌تر و قوی‌تر شده و هم‌آغوشی مرگ‌بار آن‌ها همچنان ادامه دارد.

یکی از پرسش‌های اساسی در خصوص رویکرد جدید طالبان که نظر به بازنامی رسانه‌ای و میدان‌دان جهان به این گروه در سطح منطقه به‌وجود آمده است؛ رویکرد این گروه نسبت به مواد مخدر و تولید و قاچاق آن در افغانستان است. آیا طالبان نسبت به تجارت

و تولید تریاک سیاست اقتصادی قاچاق‌محور خود را تغییر داده‌اند؟ نقش قاچاق مواد مخدر در تأمین نیازهای جنگی طالبان چقدر موثر است و تعهد آن‌ها نسبت به جهان در خصوص مبارزه با مواد مخدر چیست؟

تا پیش از سال ۲۰۱۴ اقتصاد جنگی طالبان متکی بر تجارت تریاک، کمک کشورهای عربی و همکاری پاکستانی بود؛ هرچند کمک‌ها کشورهای نقش در تشکیلات اقتصادی طالبان داشت؛ اما قاچاق مواد مخدر برجسته‌ترین ستون اقتصادی طالبان بود که تشکیلات نظامی این گروه حمایت مالی می‌کند. اما بعد از سال ۲۰۱۴ با دسترسی طالبان به شاهراه‌ها، معادن و منابع طبیعی رویکرد اقتصادی این گروه تغییر کرد. طالبان معادن طبیعی را استخراج کرده و شاهراه‌های درآمدزا را در کنترل خود درآوردند.

با آن هم نزدیک به نصف درآمد طالبان از راه قاچاق مواد مخدر تأمین مالی می‌شود. قاچاق مواد مخدر که در حیطه تشکیلات نظامی طالبان و کمیسیون‌های ولایتی این گروه می‌باشد در این سال‌ها با قاچاق‌بران و کارتل‌های بزرگ مواد مخدر از ایران و پاکستان گرفته تا کشورهای عربی، ترکیه، یونان و اروپا رابطه برقرار کردند. امروزه بخش بزرگ از مواد مخدر و هیروئین که به اروپا می‌رود در پالایشگاه‌های بزرگ طالبان در هلمند و بدخشان تصفیه شده و از انبارهای این گروه در کوئته و پشاور به جهان صادر می‌شود.

طالبان نه‌تنها رویکرد اقتصادجنگی قاچاق‌محورشان را تغییر نداده‌اند، بلکه آن‌ها با ابزارهای جدید، روش‌های به‌روزشده، دامنه‌های وسیع‌تر و جغرافیایی بزرگ‌تر به‌صورت نظام‌یافته و منسجم دست به قاچاق مواد مخدر و تولید هیروئین و شیشه می‌زنند. هرچند اختلافات سر چگونگی قاچاق در میان نظامی‌ها و رهبران سیاسی طالبان وجود دارد، اما آن هم برای منافع شخصی است که نظامیان از این راه به‌دست می‌آورند و شماری از رهبران سیاسی از آن محروم‌اند.

همان‌طور که پالیسی و رویکرد این گروه نسبت به گروه‌های جهاد جهانی و تروریسم فرمانده‌های تغییر نکرده؛ نگاه آن‌ها به تجارت و فروش غیرقانونی مواد مخدر، شیشه و هیروئین نیز تغییر نکرده است. امروزه صدها هزار هکتار زمین در قلمرو طالبان تریاک کشت شده و صدها پالایشگاه انبار در ولایت‌های مرزی و استراتژیک برای تصفیه و نگهداری این محموله‌های وجود دارد تا به کشورهای جهان صادر کنند. صادرات که مفاد‌های هنگفت آن به جیب نظامیان طالبان و استخبارات پاکستان می‌رود تا ماشین جنگی طالبان فعال باشد.

گسترش فزاینده‌ی مواد مخدر به مثابه تروریسم امنیت منطقه و جهان را تهدید می‌کند و طالبان نیز نه‌تنها هم‌آغوشی را با این دو پدیده امنیت‌سوز و زندگی‌ستیز قطع نکرده‌اند بلکه برای گسترش خشونت‌ها و حملات نظامی از تروریسم جهانی به مثابه باور نظامی و از قاچاق مواد مخدر به‌عنوان هسته و ستون اقتصادی استفاده می‌کند. جهان باید پالیسی میدان‌دهی به طالبان را تغییر بدهد وگرنه کشورها جهان مجبورند که در خیابان‌های واشنگتن و پاریس با مواد مخدر و تروریسم مبارزه کنند.

تحلیل

گرگ، را گرگ بخوانیم

حکومت ما سعی می‌کند ارتش پاکستان را -که در افغانستان در هیئت طالبان وارد شده است- ارتش پاکستان نبیند. به همین خاطر برای طالبان هویتی می‌تراشد که خود طالبان از آن خبر ندارند. می‌گویند طالبان مخالفان سیاسی حکومت مرکزی هستند و از طریق گفت‌وگو با آنان می‌توان برای مملکت آینده‌ی بهتری رقم زد.

واقعیت اما این است که طالبان پاره‌ای از ارتش پاکستان هستند و بخش‌های وسیعی از افغانستان را اشغال کرده‌اند. بر این واقعیت هر لباس دیگری که بپوشانید، در اصل قضیه فرقی نمی‌آید. به همین دلیل هم هست که مذاکره با طالبان مذاکره با فرماندهان محلی ارتش پاکستان است. چرا پاکستانی که این‌همه در کار تسخیر افغانستان کامیاب بوده، این روند کامیاب را متوقف کند و با دولت افغانستان وارد مذاکره واقعی شود؟

و اردوی ملی ما درگیر جنگ است. درست است که اکثر طالبان افغان هستند و در افغانستان پایگاه اجتماعی دارند. اما همین طالبان در ارتش پاکستان خدمت می‌کنند. ارتش پاکستان بر افغانستان تجاوز کرده، در بسیاری از ولایت‌ها مستقر شده و ده‌ها ولسوالی را سقوط داده است. حکومت ما این را به مردم نمی‌گوید. بعد سعی می‌کند با فرماندهان محلی ارتش پاکستان (مقیم افغانستان) بنشیند و مذاکره کند و به صلح برسد. اگر یک کشور اشغالگر، در این مورد پاکستان، در حال تسخیر یک کشور دیگر باشد، آیا آن اشغالگر به فرماندهان محلی ارتش خود (بخوانید رهبران طالبان) اجازه می‌دهد که با حکومت افغانستان صلح کنند؟ آیا پاکستان به طالبان اجازه خواهد داد که روند اشغالگری پاکستان را متوقف کنند و از این پس به‌جای وفاداری به ارتش پاکستان به صلح با مردمان افغانستان ببیندیشند؟

مخصوصاً درآمدت برای توسعه‌ی یک کشور است. طالبان چنان هدفی ندارند و برای تنها کاری که بلدند -سربکوب مردم و تحمیل دگم‌های خود بر محکومان- به چیزی جز خشونت بی‌حد نیاز ندارند.

چرا طالبان چنین هستند؟ مهم‌ترین علت این که طالبان این‌گونه هستند و این‌گونه رفتار می‌کنند این است که طالبان قرار نبوده چیز دیگری باشند. سیاستمداران پاکستان طالبانی «طور دیگر» نمی‌خواستند؛ تنها طالبانی که به کارشان می‌آمد همین چیزی است که می‌شناسیم. قرار این بوده که هزاران مدرسه‌ی طالب‌پروری در پاکستان همین مجموعه‌ای را تولید کنند که نیم قرن است به صورت مستقیم و سرپا در خدمت آن کشور است. بیان دیگر این مساله این است: گروه طالبان همان ارتش پاکستان است. یعنی همین شب‌ها و روزها پاره‌ای از ارتش پاکستان در هیئت یک گروه پشتوزبان افغان با حکومت

سخن‌های هانف

دیگر سال‌هاست که می‌دانیم «طالبان» یعنی چه. حتا همان بی‌خبرترین آدم‌های جامعه نیز تصور بسیار دقیق و درستی از طالبان دارند و می‌دانند که آنان چگونه افرادی هستند. طالب خشن است؛ طالب سواد ندارد یا سواد نقلی اندکی دارد؛ طالب متعصب است؛ طالب حرمتی برای جان و مال و عزت کسی قایل نیست؛ طالب دشمن آزادی و آبادی است؛ طالب فقط کشتن و ویران کردن بلد است؛ طالب با حقوق انسانی و فردی شهروندان بیگانه است و طالب به هیچ اصلی که یک جامعه‌ی انسانی را به رشد و شکوفایی می‌رساند باور ندارد. سیاست طالبانی نیز هیچ چیز گنگ و مبهمی ندارد. طالبان هرگز در پی ساختن مملکت و توسعه‌ی اقتصادی یا اجتماعی افغانستان نبوده‌اند که به سیاست و برنامه‌ی پیچیده و چندلایه‌ای نیاز داشته باشند. سیاست‌ها و برنامه‌های پیچیده محصول هدفگیری

نقش بازیگران خارجی در روند صلح؛ مشوق‌های اتحادیه اروپا (۱)



اجرای منفعل مربوط به تعهد قانونی اتحادیه اروپا برای «به رسمیت نشناختن» است. به رسمیت نشناختن مربوط به وظیفه‌ی یک کشور یا یک سازمان بین‌المللی است که نقض هنجارهای عمومی حقوق بین‌الملل را به رسمیت نمی‌شناسد و با به آن‌ها کمک نمی‌کند.



اتحادیه اروپا -یا بدنه قانون باید انجام شود. بنا بر این تحریم‌ها به ندرت مورد استفاده قرار می‌گیرند و اغلب کشورهای ضعیف و دور -مانند کشورهای آفریقایی، حوزه کارائیب و اقیانوس آرام- را هدف قرار می‌دهند. آن‌ها فقط در مواقعی با این پیش‌شرط‌های منفی مواجه می‌شوند که اتحادیه اروپا متوجه تهدیدات جدی امنیتی شود و منافع متضادی با فشار به نفع همکاری ندارند -به‌عنوان مثال سوریه برای تروریسم مورد حمایت دولت‌ها، یوگسلاویای سابق برای جنایات جنگی و بی‌ثباتی منطقه‌ای، بلاروس برای تهدید دیپلمات‌های اتحادیه اروپا و سازمان امنیت و همکاری اروپا با این تحریم‌ها مواجه شده‌اند. تنها نمونه تحریم‌های اتحادیه اروپا در پاسخ به همکاری نکردن در حل اختلافات، ممنوعیت ویزا در سال ۲۰۰۳ برای رهبری ماورالنهر بود. برعلاوه، هنگامی که اتحادیه اروپا تحریم‌ها را انتخاب می‌کند، در کنارش تلاش می‌کند اقدامات مثبتی را علیه جمعیت آسیب دیده اعمال کند -به‌عنوان مثال به مسیر موزی تحریم‌ها علیه بلاروس همراه با حمایت مالی از جامعه مدنی بلاروسمی توان اشاره کرد.

آموزه‌ها

مکانیسم دومی که اتحادیه اروپا می‌تواند از طریق آن صلح را تقویت کند، یادگیری و اقتناع اجتماعی است که از طریق ارتباط نهادی، سیاسی، اقتصادی و گسترده‌تر جامعه بین اتحادیه اروپا و طرف‌های درگیری صورت می‌گیرد. برخلاف پیش‌شرط‌ها که حساب هزینه و سود تصمیم‌گیرندگان را تغییر می‌دهد، تغییرات داخلی از طریق یادگیری با تغییر منافع درک شده اتفاق می‌افتد، زیرا که طرفین درگیری داوطلبانه هنجارها و منطق زبیربنایی اتحادیه اروپا را درونی می‌کنند. از طریق مشارکت یا تماس نزدیک با چارچوب نهادی اتحادیه اروپا، طرفین درگیری ممکن است اعتقادات اساسی، چشم‌اندازها و اهداف و همچنین استراتژی‌های ترجیحی خود را در

به اعمال پیش‌شرط‌های منفی تمایل ندارد. بنا بر این تحریم‌ها به ندرت مورد استفاده قرار می‌گیرند و اغلب کشورهای ضعیف و دور -مانند کشورهای آفریقایی، حوزه کارائیب و اقیانوس آرام- را هدف قرار می‌دهند. آن‌ها فقط در مواقعی با این پیش‌شرط‌های منفی مواجه می‌شوند که اتحادیه اروپا متوجه تهدیدات جدی امنیتی شود و منافع متضادی با فشار به نفع همکاری ندارند -به‌عنوان مثال سوریه برای تروریسم مورد حمایت دولت‌ها، یوگسلاویای سابق برای جنایات جنگی و بی‌ثباتی منطقه‌ای، بلاروس برای تهدید دیپلمات‌های اتحادیه اروپا و سازمان امنیت و همکاری اروپا با این تحریم‌ها مواجه شده‌اند. تنها نمونه تحریم‌های اتحادیه اروپا در پاسخ به همکاری نکردن در حل اختلافات، ممنوعیت ویزا در سال ۲۰۰۳ برای رهبری ماورالنهر بود. برعلاوه، هنگامی که اتحادیه اروپا تحریم‌ها را انتخاب می‌کند، در کنارش تلاش می‌کند اقدامات مثبتی را علیه جمعیت آسیب دیده اعمال کند -به‌عنوان مثال به مسیر موزی تحریم‌ها علیه بلاروس همراه با حمایت مالی از جامعه مدنی بلاروسمی توان اشاره کرد.

اتحادیه اروپا سیاست‌های مشروطیت مثبت خود را به‌ویژه در روند گسترش شرق از طریق استفاده از روش‌های نگهداری ورودی‌ها، معیار گذاری و نظارت توسعه داد. شرایط معیار و نظارت شده‌ای که برای ادامه مراحل پی در پی روند الحاق مربوط به اصلاحات در زمینه‌های دموکراسی، حقوق بشر و همچنین اصلاحات بازار و هماهنگی با کمیته



و شرط‌های منفی شامل مجازات در صورت نقض تعهد مشخص است و مشهودترین موارد در این زمینه تحریم‌های دیپلماتیک و اقتصادی است.

انجام تعهدات همچنین می‌تواند قبل از ارائه مکانیزم‌های حل اختلاف یا بعد از آن باشد؛ یعنی شرایط تعیین‌شده از سوی اتحادیه اروپا یا قبل از امضای قرارداد تحقق یافته است و یا باید در توافق‌نامه باید رعایت شود، در غیر این صورت قرارداد می‌تواند به حالت تعلیق درآید. در بین این دو حد، قید و شرط می‌تواند در طول زمان اعمال شود و نه منحصر در زمان یا پس از تحویل منافع مشخص. مورد معیارهای ۱۹۹۳ کپنهاگ برای عضویت در اتحادیه اروپا نمونه‌ای از تعیین شرایطی است که پیش از امضای قرارداد باید اجرا و کامل شود، درحالی‌که «بند حقوق بشر» در توافق‌نامه‌های اتحادیه اروپا نمونه‌ای از مشروطیت پس از امضای قرارداد است. در عوض، با توجه به تقسیم سود ارائه‌شده، دوام کمک‌ها مشروط به تحقق مدام این پیش‌شرط‌هاست. درحالی‌که این نوع مشروط‌ساختن‌ها اصولاً در دسترس اتحادیه اروپا است، اما اتحادیه اروپا در عمل نشان داده است که پیش‌شرط‌های مثبت که قبل از امضای قرارداد تحقق می‌یابد، بر پیش‌شرط‌های که باید در توافق‌نامه رعایت می‌شود و یا منفی است، ارجحیت دارد و اتحادیه اغلب

پیشنهاد می‌شود و بنابراین اتحادیه می‌تواند سیاست‌های حل تعارض را که با واسطه‌های سنتی متفاوت است، توسعه دهد، کشورهای همسایه آن هستند. همسایگی اروپا شامل شمال آفریقا، خاورمیانه، مدیترانه شرقی، قفقاز جنوبی، بالکان غربی و اروپای شرقی - به شمول اوکراین، مولدووا، بلاروس و روسیه- است. اهداف اعلام شده این روابط قراردادی هم دست‌یابی به درجات مختلفی از همکاری و ادغام در اتحادیه اروپا و همچنین تقویت تحولات ساختاری طولانی مدت مانند حل تعارض در داخل و بین کشورهای ثالث است. اما روابط قراردادی اتحادیه اروپا از طریق کدام مکانیزم‌ها می‌تواند انگیزه دهنده‌ی حل منازعات باشد؟ و چه چیزی تأثیر آن‌ها را تعیین می‌کند؟

سازوکارهای اتحادیه اروپا برای حل منازعه مشروط بودن

اولین مکانیزمی که اتحادیه اروپا از طریق آن می‌تواند زمینه‌ی حل اختلافات را فراتر از مرزهای خود مهیا کند، پیش‌کشیدن قید و شرط‌های مثبت و منفی است. قید و شرط‌های مثبت مستلزم وعده‌ی سود در ازای تحقق شرط‌های از پیش تعیین‌شده است و بیشتر اوقات در ارائه کمک‌های مالی/اقتصادی و همچنین در چارچوب پیوستن به اتحادیه اروپا مورد استفاده قرار می‌گیرد. قید

ناتالی توکی

مترجم: فاطمه فرامرز

اتحادیه اروپا با تصور تلاش برای صلح‌سازی، حل منازعات در خارج از مرزهای خود را به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین اولویت‌های سیاست خارجی خود معرفی کرده است. به‌ویژه هنگامی که صحبت از حل منازعات در مناطق هم‌مرز با اتحادیه اروپا می‌شود، این اتحادیه می‌تواند از مشوق‌ها و مشروطیت‌های ادغام در روابط قراردادی خود با کشورهای ثالث استفاده کند. مشوق‌های ادغام، ویژه‌ی اتحادیه اروپا است که خود یک پروژه ادغام است. این پروژه‌ها به‌روشنی مربوط به روند الحاق هستند که شامل انگیزه‌ی عضویت برای بسج در خدمت حل منازعات است. مثال این پروژه را در پیمان پایداری ۱۹۹۵ برای پخش تنش‌های اقلیت‌ها و مرزها در اروپای شرقی می‌توان مشاهده کرد. با این‌حال مشوق‌های ادغام نیز می‌توانند از نظر عضویت، از جمله پیشنهاد یا انصراف، روابط تجاری ترجیحی با اتحادیه اروپا، مشارکت در برنامه‌ها و آژانس‌های جامعه و هماهنگی با قوانین اتحادیه، کم باشد. این اشکال جایگزین مشوق‌های ادغام از طریق انواع روابط قراردادی مانند توافق‌نامه‌های انجمن، توافق‌نامه‌های شراکت و همکاری، توافق‌نامه‌های تثبیت و انجمن و سیاست همسایگی اروپا به کار گرفته می‌شوند. کشورهای ثالثی که این روابط به آن‌ها

امریکا باید از مقاومت مردمی علیه طالبان حمایت کند

رونالد نیومن، واشنگتن پست

مترجم: جلیل پژواک

پیروزی‌های طالبان و خروج ایالات متحده افغانستان را گنج کرده و دستاورد‌های ۲۰ ساله این کشور از جمله حقوق زنان، آزادی مطبوعات و ارزش‌های دموکراتیک را در معرض خطر قرار داده است. با این حال در سفر اخیرم به افغانستان و در جلساتی که با شخصیت‌های دولتی، چهره‌های اپوزیسیون و مقامات نظامی این کشور داشتم متوجه تصویری پیچیده‌تر و برخی نشانه‌های مثبت شدم.

خبر بد این است که طالبان چندین ولسوالی را سقوط داده‌اند، مسیرها را مسدود و ارتباط زمینی پوسته‌های امنیتی و ایست‌های بازرسی را قطع کرده‌اند. جنگ‌جویان طالبان با حرکت از جنوب و شرق - که از نظر تاریخی صحنه شدیدترین نبردها بوده‌اند - به شمال و حمله به یکی از قول‌اردوهای ضعیف ارتش افغانستان در این منطقه، نظامیان خارجی و نیروهای افغانستان را غافلگیر کرده‌اند. بسیاری از پوسته‌های کوچک - که فرماندهان امریکایی سال‌ها هشدار داده بودند که قابل دفاع نیستند - تسلیم شده‌اند یا سقوط کرده‌اند.

تغییرات گسترده اخیر در فرماندهی نیروهای افغانستان ممکن است به این مشکلات



طالبان به شهرهای بزرگ حمله نکرده‌اند. اما ناظران انتظار دارند این حملات به‌زودی آغاز شود. ما باید فوراً اقدامات نمادینی را روی دست گیریم تا آسیب پیام‌های متناقض ما را جبران و این مسأله را واضح کند که پشتیبانی ما واقعی است.



ولایت همچنان پابرجا باقی مانده است. یکی از دوستانم در افغانستان که درباره جنگ پسرکاکای ارتشی خود در ولایت دوردست نیمروز قصه می‌کرد، گفت که نیروهای ارتش پس از سه روز نبرد حمله طالبان را دفع کردند و حالا با کمک جنگ‌جویان محلی یک ولسوالی را از طالبان پس گرفته‌اند. چنین داستان‌ها ثابت نمی‌کند که ارتش افغانستان قوی و استوار است اما به خوبی نشان می‌دهد که این فرض که درحال حاضر همه چیز در افغانستان از کار افتاده، اغراق‌آمیز است.

شاید مثبت‌ترین نشانه در افغانستان مقاومت مردمی در برابر طالبان باشد. در برخی مناطق، مقاومت مردمی توسط جنگ‌سالاران قدیمی رهبری می‌شود، اما در بسیاری نقاط کشور، خیزش مردمی توسط جوامع محلی سازماندهی شده است. من گزارش‌های مفصلی از درگیری‌های شدید در مناطق



را برای مردمش توضیح دهد. رییس‌جمهور اشرف غنی به من گفت که چنین استراتژی را دارد. او حالا باید عناصر اصلی استراتژی خود را علنی کند.

اما برای ایالات متحده این نیز بسیار مهم است که درک کند که اقداماتش روحیه را در افغانستان پایین آورده و باید کاری برای جبران آن انجام دهد. از نظر تاریخی جنگ‌های افغانستان زمانی پایان یافته که جنگ‌جویان یک طرف جنگ را برنده دانسته و جنگ را متوقف کرده‌اند. ما در سال ۲۰۰۱ شاهد این اتفاق بودیم؛ وقتی روحیه طالبان پس از چند نبرد فروپاشید. اگر این بار نیروهای افغانستان روحیه خود را ببازند و ارتش شهرها را از دست دهد، امکان دارد اوضاع به هم بریزد و ایالات متحده ناگهان خودش را درحال

متعدد افغانستان شنیدم. این مقاومت‌ها به اندازه کافی جدی هستند که طالبان از هم‌اکنون مقاومت‌گران را به مجازات شدید تهدید می‌کند.

با این حال، هرچند که مواردی از این مقاومت با هماهنگی رهبران ارتش و پولیس محلی شکل گرفته است، اما خیزش مردمی در افغانستان در کل فاقد رهبری مرکزی یا سازمان است. این مقاومت فاقد جنگ‌افزار موردنیازش است و اگر پشتیبانی نشود، امکان دارد تحت فشار حملات متمرکز طالبان از بین برود.

همان‌طور که رییس‌جمهور بایدن اظهار داشت، مسئولیت اصلی بر دوش حکومت افغانستان است. حکومت افغانستان باید مقاومت مردمی را پشتیبانی و رهبری کند، استراتژی واضح‌تری اتخاذ کند و آن استراتژی

گزارش



افزایش ۴۷ درصدی تلفات غیرنظامیان در شش ماه گذشته؛ می و جون مرگبارترین ماهها بوده است

به درگیری مستقیم زمینی و مهمات منفجرناشده جنگ نسبت داده و گفته است که عاملان آن را مشخص نتوانسته است. با این حال، در این گزارش آمده است که از ۲۰۰۹ میلادی به این طرف، این نخستین گزارشی است که در آن تلفات حتی یک غیرنظامی به نیروهای خارجی نسبت داده نشده است.

علت‌های تلفات غیرنظامیان

در بخشی از این گزارش آمده است که مهم‌ترین علت‌های تلفات غیرنظامیان در شش ماه نخست سال جاری میلادی، استفاده‌ی گسترده از مواد جاسازی‌شده انفجاری توسط عناصر مخالف دولت، درگیری‌های مستقیم زمینی، قتل‌های هدفمند توسط عناصر مخالف دولت و حملات هوایی توسط نیروهای هوایی افغانستان بوده است. با این حال، یافته‌های گزارش نشان می‌دهد که علت اصلی تلفات غیرنظامیان، استفاده‌ی طالبان و داعش از مواد انفجاری جاسازی‌شده‌ی غیرانتحاری بوده است که سبب ۳۸ درصد کل تلفات غیرنظامیان شده است. این آمار در مقایسه به زمان مشابه در سال گذشته سه برابر افزایش را نشان می‌دهد. استفاده از مواد انفجاری فشاری نیز که همه توسط طالبان صورت گرفته، ۴۲ درصد افزایش یافته است. سازمان ملل گفته است که استفاده از این نوع مواد انفجاری نقض‌کننده‌ی نورم‌های حقوق بین‌المللی بشردوستانه است. این سازمان از طالبان خواسته است که استفاده از این نوع مواد انفجاری را برای دایم منع قرار دهند.

همین طور، درگیری‌های زمینی باعث ۳۳ درصد کل تلفات غیرنظامیان شده است. تمامی این تلفات به طالبان و نیروهای دفاعی و امنیتی افغانستان نسبت داده شده است. آمارهای سازمان ملل نشان می‌دهد که میزان تلفات غیرنظامیان در درگیری‌های زمینی در مقایسه به زمان مشابه در سال گذشته، ۴۱ درصد افزایش یافته است. همچنین، از قتل‌های هدفمند توسط عناصر مخالف دولت، به‌عنوان سومین عامل عمده‌ی تلفات غیرنظامیان یاد شده است. قتل‌های هدفمند باعث ۱۴ درصد کل تلفات غیرنظامیان شده است. حملات هوایی نیروهای افغان باعث هشت درصد تلفات غیرنظامیان شده است که در مقایسه به زمان مشابه در سال گذشته، ۳۳ درصد افزایش یافته است.

سازمان ملل در این گزارش از ادامه‌ی حملات بر کارمندان غیرنظامی دولت، مدافعان حقوق بشر، کارمندان رسانه‌ها، بزرگان مذهبی و کارمندان بشردوستانه ابراز نگرانی کرده است.

این سازمان افزوده است که حملات عمدی فرقه‌گرایانه علیه شیعیان افغانستان که بیشترشان به قوم هزاره تعلق دارند، را نیز ثبت کرده است. به‌گفته‌ی این سازمان، مسئولیت تقریباً تمامی این حملات را گروه داعش به عهده گرفته است. در گزارش آمده است که از اول جنوری تا ۳۰ جون سال جاری، مردم شیعه/هزاره در دست کم ۲۰ حادثه هدف قرار گرفته‌اند که در نتیجه ۱۴۳ نفر کشته و ۳۵۷ نفر دیگر زخمی شده‌اند.

در همین حال، دبیرا لاینز، نماینده‌ی خاص دبیرکل سازمان ملل برای افغانستان از طالبان و رهبران افغانستان خواسته است که روند ناخوشایند و وحشت‌ناک درگیری و تأثیرات مخرب آن بر افراد ملکی را در نظر بگیرند: «تلاش‌های خود را در میز مذاکره تشدید کنید و جلوی جنگ افغان در برابر افغان را بگیرید. از مردم افغانستان محافظت کنید و آنها را برای آینده‌ی بهتر امیدوار کنید.»

واکنش دولت و طالبان

اجمل عمر شینواری، سخن‌گوی قوای مسلح کشور یافته‌های این گزارش که در آن گفته شده است که نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان عامل ۲۳ درصد کل تلفات غیرنظامیان بوده‌اند، را رد کرد. آقای شینواری در یک نشست خبری گفت که نیروهای امنیتی و دفاعی از احتیاط کامل کار می‌گیرند. او افزود که نیروهای دفاعی و امنیتی در هیچ جایی به غیرنظامیان تلفات وارد نکرده‌اند.

ذبیح‌الله مجاهد، سخن‌گوی گروه طالبان نیز در اعلامیه‌ای، یافته‌های گزارش سازمان ملل را رد کرده است. او گفته است که در هیچ نقطه‌ی کشور غیرنظامیان از سوی جنگ‌جویان این گروه به‌گونه‌ی عمدی هدف قرار نگرفته‌اند.

ابودر ملک‌نژاد

هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) گزارش نیمه‌ی اول این سازمان در مورد تلفات غیرنظامیان در افغانستان را منتشر کرد. این گزارش نشان می‌دهد که تلفات غیرنظامیان در جریان شش ماه نخست سال جاری میلادی به بالاترین سطح خود رسیده و در مقایسه به زمان مشابه در سال گذشته‌ی میلادی، ۴۷ درصد افزایش یافته است.

در گزارش که دیروز (دوشنبه، ۴ اسد) منتشر شده، آمده است که در شش ماه اول سال جاری میلادی، در مجموع یک‌هزار و ۶۵۹ غیرنظامی در افغانستان کشته و سه‌هزار و ۲۵۴ غیرنظامی دیگر زخمی شده‌اند. سازمان ملل در این گزارش هشدار داده است که اگر خشونت‌ها به‌گونه‌ی قابل ملاحظه کاهش نیابد، ممکن است افغانستان شاهد مستندسازی بالاترین آمار تلفات غیرنظامیان در سال جاری باشد. گزارش سازمان ملل همچنین نشان می‌دهد که زنان، پسران و دختران ۴۶ درصد از تلفات غیرنظامیان در شش ماه نخست سال جاری میلادی را تشکیل می‌دهند. از این میان، ۳۲ درصد کودکان (۴۶۸ کشته و ۱۲۱۴ زخمی) و ۱۴ درصد دیگر زنان (۲۱۹ کشته و ۵۰۸ زخمی) بوده‌اند. طبق این گزارش، تلفات غیرنظامیان از اول ماه می، همزمان با آغاز رسمی خروج نیروهای خارجی از افغانستان، به شدت افزایش یافته است؛ طوری که میزان تلفات غیرنظامیان در ماه‌های می و جون با آمار کل تلفات غیرنظامیان در جریان چهار ماه نخست سال جاری میلادی برابری می‌کند.

سازمان ملل می‌گوید که بالاترین آمار تلفات غیرنظامیان را از سال ۲۰۰۹ میلادی تا کنون به ماه‌های می و جون تعلق گرفته است. یافته‌های گزارش نشان می‌دهد که در جریان ماه‌های می و جون ۷۸۳ غیرنظامی کشته و یک‌هزار و ۶۰۹ غیرنظامی زخمی شده‌اند؛ در حالی که از ماه جنوری تا اپریل سال جاری ۷۸۶ غیرنظامی کشته



در گزارش سازمان ملل ۲۴ درصد تلفات مجموعی غیرنظامیان به عناصر مخالف دولت نسبت داده شده است. از این میان، گروه طالبان مسئول ۳۹ درصد، داعش مسئول ۱۶ درصد و عناصر نامشخص مخالف دولت مسئول ۱۶ درصد تلفات غیرنظامیان دانسته شده‌اند.



و یک‌هزار و ۹۱۵ غیرنظامی دیگر زخمی شده‌اند. با این حال، دبیرا لاینز، نماینده‌ی خاص دبیرکل سازمان ملل متحد برای افغانستان گفته است که بیشترین اقدامات در میدان‌های جنگ در مرگبارترین ماه‌های می و جون در خارج از شهرها و در مناطق با سطح جمعیت نسبتاً کم انجام شده است. او گفته است که سازمان ملل به شدت نگران است که اگر اقدامات نظامی شدید در مناطق شهری با تراکم بالای جمعیت انجام شود، عواقب آن برای غیرنظامیان می‌تواند فاجعه‌بار باشد: «جستجوی راه‌حل نظامی فقط رنج مردم افغانستان را افزایش می‌دهد.»

عامل تلفات غیرنظامیان

در گزارش سازمان ملل ۶۴ درصد تلفات مجموعی غیرنظامیان به عناصر مخالف دولت نسبت داده شده است. از این میان، گروه طالبان مسئول ۳۹ درصد، داعش مسئول ۱۶ درصد و عناصر نامشخص مخالف دولت مسئول ۱۶ درصد تلفات غیرنظامیان دانسته شده‌اند. طبق این گزارش، نیروهای طرفدار دولت مسئول ۲۵ درصد تلفات غیرنظامیان در شش ماه نخست سال جاری میلادی بوده‌اند. از این میان، ۲۳ درصد تلفات غیرنظامیان توسط نیروهای دفاعی و امنیتی افغانستان و دو درصد دیگر توسط گروه‌های مسلح طرفدار دولت یا نیروهای نامشخص طرفدار دولت انجام شده است. سازمان ملل در این گزارش، ۱۱ درصد کل تلفات غیرنظامیان را

آن تغییر دهد. تحویل مزیای اتحادیه اروپا به منزله جبران خسارت به انطباق طرف دعوا با شرایط خاص نیست. تعهدات قوانین لازم را تشکیل می‌دهند که همکاری سودمند متقابل با اتحادیه اروپا را ممکن می‌سازد. برای اجرای منفعلانه باید مجموعه مشخصی از قوانین تعریف شده و قابل تعریف در قراردادهای اتحادیه اروپا وجود داشته باشد نه یک سلسله شرایطی که اتحادیه اروپا از نظر سیاسی مطلوب می‌داند. علاوه بر این، این سیستم قوانین باید به‌عنوان قیمت لازم همراه با تعامل اتحادیه اروپا در نظر گرفته شود. در مورد طرفین درگیری که سیاست‌های آنها با اهداف اتحادیه اروپا مخالف می‌کند، این قوانین در ابتدا به عنوان هزینه‌های بالا - به‌عنوان مثال نقض ظرفیت حاکمیت یک کشور برای پیگیری بدون قید و شرط منافع ادراک شده آن - تلقی می‌شود. در این شرایط، روند تغییر در اجرای انفعالی مستلزم آن است که هزینه‌ها به‌عنوان یک الزام تلقی شود و طرف دعوا قبول کند که این هزینه‌های اجباری را بر عهده بگیرد. با انجام این کار و بنابراین تجربه احترام به قانون، با گذشت زمان هزینه‌های منسوب آن می‌تواند منفعلانه تغییر کند و احترام به قانون به‌عنوان یک مزیت تلقی شود.

اجرای منفعل مربوط به تعهد قانونی اتحادیه اروپا برای «به رسمیت نشناختن» است. به رسمیت نشناختن مربوط به وظیفه‌ی یک کشور یا یک سازمان بین‌المللی است که نقض هنجارهای عمومی حقوق بین‌الملل را به رسمیت نمی‌شناسد و یا به آن‌ها کمک نمی‌کند. موضوع قابل توجه در این مورد اختلاف بین اتحادیه اروپا و اسرائیل در مورد برخورد ترجیحی با محصولات منشا شهرک‌های اسرائیلی و صادره شده به اتحادیه اروپا بر اساس توافق‌نامه ارتباط بوده است. پس از سال‌ها اختلاف، اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۵ به تعهد قانونی خود در مورد انکار ترجیحات محصولات مبتنی بر حل و فصل، با این استدلال که اقدام‌کردن در این زمینه مستلزم کمک و وام به نقض اسرائیل در قوانین بین‌المللی بشردوستانه است، عمل کرد. اتحادیه اروپا موضع خود را به عنوان سیاست مشروط ارائه نداد، چه رسد به تحریم. سرانجام اسرائیل آن را به عنوان «قاعده بازی» ضروری برای عمل‌کرد روان روابط تجاری مشترک پذیرفت.

منبع: مؤسسه‌ی تحقیقاتی کانسلیشن ریسورس

ادامه دارد...

ترجمه

امنیتی افغانستان ادامه می‌دهد. افغان‌ها شک دارند ما پای حرف خود بیاییم. علاوه بر این، اقدامات حمایتی که ما روی دست داریم - مانند ارائه هلیکوپترهای جدید برای نیروهای افغانستان - تحت تأثیر پیام‌های متناقض ما قرار گرفته و حرف ما بی‌ارزش شده است.

طالبان به شهرهای بزرگ حمله نکرده‌اند. اما ناظران انتظار دارند این حملات به‌زودی آغاز شود. ما باید فوراً اقدامات نمادینی را روی دست بگیریم تا آسیب پیام‌های متناقض ما را جبران و این مسأله را واضح کند که پشتیبانی ما واقعی است.

یک اقدام می‌تواند تأمین فوری غذا و مهمات از طریق هوا به سربازان در شهرهای بزرگ در انتهای زنجیره پیچیده تأمین و تدارکات نظامی افغانستان باشد. ما می‌توانیم نیازهای نیروهای مقاومت را شناسایی کرده و تجهیزات و بودجه موردنیاز آن‌ها را به صورت فوری فراهم کنیم. ما می‌توانیم از جنگنده‌های ارتش آمریکا که در خارج از افغانستان مستقر است برای حملات هوایی در افغانستان استفاده کنیم. ایده‌های بهتری نیز ممکن است وجود داشته باشد. نکته این است که اکنون اقدامات آمریکا باید بزرگ، قابل‌مشاهده و معنادار باشد. افغان‌ها یا باید طالبان را متوقف کنند یا جنگ را بخرند. و ایالات متحده باید تمام تلاش خود را برطرف کردن تردیدهایی که می‌تواند به فروپاشی افغانستان منجر شود به کار بندد. پنجره عمل به سرعت در حال بسته‌شدن است. ما باید همین حالا اقدام کنیم.

رونالد نیومن از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ سفیر ایالات متحده در افغانستان بود.

درگیری به روشی که برای صلح مناسب است، تغییر دهند.

پتانسیل یادگیری قبل از هر چیز، به دامنه و شدت تماس بین اتحادیه اروپا و طرف‌های درگیر بستگی دارد. این امر همچنین به میزان هم‌پوشانی موجود بین اتحادیه اروپا و هنجارهای داخلی در داخل کشوری که دارای دو طرف درگیری است و همچنین شناسایی طرف درگیری با اتحادیه اروپا و ارزش‌های اعلام شده‌ی آن بستگی دارد. عامل تعیین‌کننده‌ی دیگر دامنه یادگیری میزان نارضایتی مردم از وضع موجود است. تا آن‌جا که مردم در یک طرف درگیری از رهبری آن نارضایتی باشند، به احتمال زیاد پذیرای ایده‌ها و پیشنهادها می‌باشند. پیشنهادها منشا گرفته از اتحادیه اروپا است. به‌عنوان مثال، استقبال مردم ترک‌تبار قبرس از ایده‌ها و مشوق‌های اتحادیه اروپا در ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ بیشتر ناشی از عدم رضایت آنان از حکومت رؤف دنکناش بود که در نتیجه بحران اقتصادی شدیدی که ترکیه و قبرس شمالی را در ۲۰۰۰-۲۰۰۱ درگیر کرد، تشدید شد. مثال قبرس این پرسش را مطرح می‌کند که آیا تغییر ناشی از مشروطیت مکمل تغییرات الهام گرفته از یادگیری است یا خیر؟ در حالی که تغییر از طریق مشروط شدن در کوتاه مدت و میان مدت اتفاق می‌افتد، تغییرات ریشه‌ای‌تر از طریق یادگیری فقط در بلند مدت می‌تواند رخ دهد. با این حال، یک مکانیسم می‌تواند جای خود را به مکانیسم دیگر بدهد. در مورد قبرس، مشروطیت اتحادیه اروپا به ترکیه و شمال قبرس همراه با رکود اقتصادی در اواخر قرن، ترک‌تبارهای قبرسی را مشتاق «یادگیری» و دریافت ایده‌ها و پیام‌های ناشی از بروکسل کرد. این امر منجر به روند عمیق‌تری از تغییر در شمال شد که صرف نظر از انتظارات کاهش یافته از اتحاد مجدد و پیوستن به اتحادیه اروپا در دوره برنامه پس از طرح عنان، تا حد زیادی ادامه داشته است.

اجرای انفعالی

مکانیسم نهایی تأثیر اتحادیه اروپا در حل منازعات، اجرای انفعالی آن است. اتحادیه اروپا به‌جای برجسته کردن منطق مجازات که در هنگام نقض قوانین تعیین می‌شود، این شیوه سیاست‌گذاری خارجی انفعالی به سیستم همکاری محدود به قانون بستگی دارد، که انتظار می‌رود از طریق انگیزه‌های داخلی آن کار کند. برخلاف مشروطیت‌ها، اجرای منفعلانه تلاش نمی‌کند انگیزه‌های یک طرف درگیری را با تغییر در حساب هزینه و سود



تخلیه اضطراری از کابل بیاید.

تصمیم ایالات متحده برای خروج قبل از موعد تعیین‌شده توسط خود بایدن (۱۱ سپتامبر امسال) شوکه‌کننده بوده است. تمرکز ضروری اما پرسروصدا روی مسأله ویزای مترجمان افغانستان و سایر افرادی که برای حکومت ایالات متحده در افغانستان کار می‌کردند، باعث شده شهروندان افغانستان فکر کنند که ایالات متحده احتمالاً به توانایی کشورشان برای مقاومت در برابر طالبان باور ندارد. و تکرار این حرف که نتیجه جنگ و صلح افغانستان فقط به دست خود افغان‌ها است، باعث شده شهروندان افغانستان فکر کنند ایالات متحده احتمالاً از هم‌اکنون از مسئولیت خود در قبال افغانستان دست می‌شوی.

ایالات متحده می‌گوید به حمایت از نیروهای

ممنوعیت صدور مجوزهای تدریس خصوصی در چین برای «ترغیب فرزندآوری»

مدارس به کلی ممنوع است. موسسات خصوصی آموزشی همچنین از فعالیت‌های سرمایه‌گذاری منع شده‌اند.

هدف دولت چین از این تغییرات کاهش فشار بر روی دانش‌آموزان این کشور و پائین آوردن هزینه زندگی خانواده‌های بیست که در پائین آمدن نرخ فرزندآوری مشارکت داشته‌اند.

این کشور در ماه می امسال (۲۰۲۱) اعلام کرد که سه فرزند در این کشور مجاز است؛ پیش از این داشتن فقط دو فرزند مجاز بود.

بر اساس آمار انجمن تحصیلی در چین، بیش از ۷۵ درصد دانش‌آموزان بین ۶ تا ۱۸ ساله در این کشور در اوقات خارج از ساعات کار مدرسه، از کلاس‌های خصوصی آموزشی استفاده کرده‌اند؛ این آمار سال ۲۰۱۶ میلادی را در بر می‌گیرد.



بر اساس قوانین اعلام شده موسسات خصوصی فعال تحت نظارت‌های بیشتر خواهند بود و تدریس خصوصی خارج از ساعت کاری مدارس در اواخر هفته، تعطیلات عمومی و همچنین در زمان تعطیلات

کشور را شوکه کرده و والدین چینی نمی‌دانند این ممنوعیت چگونه فرزندانشان را در سیستم رقابتی تحصیلی در این کشور تحت تاثیر قرار خواهد داد.

در سال‌های اخیر و با پیش‌بینی افزایش تقاضا برای آموزش خصوصی در کشور پرجمعیت چین، سرمایه‌گذاری‌های بزرگی از طریق بخش‌های عمومی و خصوصی در بخش خصوصی آموزشی صورت گرفت و حالا میلیاردها دلار سرمایه به مخاطره افتاده است.

با اعلام این تغییرات، از روز جمعه ارزش سهام شرکت‌های خصوصی آموزشی چین شروع به افت کرد و امروز (دوشنبه ۴ اسد) هم با شروع به کار بازارهای بین‌المللی بورس، ارزش این سهام‌ها بین ۳۰ تا ۴۰ درصد کاهش یافت.

شاخص «صنعت آموزشی چین» امروز شاهد ۱۴ درصد افت بود.

اطلاعات روز: ممنوعیت صدور مجوزهای جدید برای تدریس خصوصی دروس اصلی مدارس در چین به نگرانی‌ها دامن زده و ارزش سهام موسسات آموزشی خصوصی این کشور در بازارهای بورس هنگ‌کنگ و نیویورک با افت شدیدی مواجه شده است.

به نقل از بی بی سی فارسی، دولت چین اواخر هفته پیش اعلام کرد که برای «کاهش هزینه‌های زندگی» و ترغیب فرزندآوری در این کشور، آموزش خصوصی «انتفاعی» را در این کشور ممنوع کرده است.

بر اساس قوانین جدید، تمامی موسسات آموزشی خصوصی از این پس باید به عنوان سازمان‌های «غیرانتفاعی» ثبت شوند و هیچ مجوز جدیدی برای موسسات خصوصی که در این زمینه فعالیت دارند، صادر نخواهد شد.

تغییر این قوانین بخش خصوصی آموزشی در این

افزایش موارد ابتلا به کرونا در امریکا؛ دکتر فاوچی می‌گوید امریکا «در جهت اشتباه» پیش می‌رود

مردم به تزریق واکسن انجام دهند. او گفت «از شنیدن اینکه فرمانداران جمهوری‌خواه آرکانزاس و فلوریدا واکسیناسیون را در ایالت هایشان تشویق می‌کنند» بسیار دلگرم شده است. هر دوی این رهبران محلی در گذشته نسبت به توصیه‌های دکتر فاوچی انتقاد داشتند.

دکتر فاوچی مشاور اصلی جو بایدن، رئیس‌جمهوری کنونی امریکا و سلف او، دونالد ترامپ، در مورد بیماری همه‌گیر کرونا بوده است. او گفت که در حال گفتگو برای تغییر دستورالعمل‌های مرکز کنترل و پیشگیری بیماری‌های ایالات متحده (CDC) در مورد استفاده از ماسک است.

این مرکز می‌گوید، افرادی که کاملاً واکسینه شده‌اند می‌توانند «فعالیت‌هایی را که قبل از همه‌گیری کرونا انجام می‌دادند بدون استفاده از ماسک از سر بگیرند».

حالا دکتر فاوچی گفته که مقامات محلی می‌توانند قوانین خود را تحت راهنمای کنونی این مرکز وضع کنند.

اما او یادآوری کرد که برخی از دولت‌های محلی برای جلوگیری از افزایش ابتلا، استفاده از ماسک در داخل اماکن عمومی را دوباره برقرار کرده‌اند.

در شهر لس آنجلس، اکنون استفاده از ماسک در اماکن سرپوشیده عمومی چه برای افراد واکسینه شده و چه برای افراد واکسینه نشده ضروری است.

است. میزان واکسیناسیون به ویژه در ایالت‌های جنوبی امریکا

پایین است، به طوری که در بعضی از مناطق حتی کمتر از نیمی از ساکنان اولین دوز واکسن را دریافت کرده‌اند.

در همین حال، پس از کاهش تعداد ابتلا به کرونا در ماه مه و ژوئن، موارد ابتلای روزانه به ویروس کرونا بار دیگر در حال افزایش است.

این روند، تا حدی به گسترش سریع نوع بسیار قابل انتقال دلتا که اولین بار در هند مشاهده شد، نسبت داده شده



اطلاعات روز: برجسته‌ترین متخصص بیماری‌های عفونی امریکا هشدار داد که این کشور در زمینه مقابله با کرونا «در جهت اشتباه» پیش می‌رود.

به گزارش بی بی سی فارسی، دکتر آنتونی فاوچی گفت که نوع دلتای کرونا در مناطقی که میزان واکسیناسیون در آن پایین است، در حال افزایش است.

دکتر فاوچی، مشاور اصلی پزشکی جو بایدن، رئیس‌جمهوری امریکا، روز یکشنبه به شبکه خبری سی ان ان گفت: مقامات بهداشتی امریکا در حال بررسی و تجدید نظر در دستورالعمل‌های مربوط به ماسک حتی برای افراد واکسینه شده هستند تا افزایش موارد ابتلا را مهار کنند.

او گفت که تزریق دوز اضافی واکسن به افراد آسیب پذیر هم در دست بررسی است.

دکتر فاوچی گفت: وضعیت ویروس کرونا در ایالات متحده در حال تبدیل شدن به «یک همه‌گیری در بین افراد غیر واکسینه» است.

آمار رسمی نشان می‌دهد بیش از ۱۶۲ میلیون و هفتصد هزار نفر، یا ۴۹٪ از جمعیت امریکا، به طور کامل واکسینه شده‌اند.

تا ماه اپریل، ایالات متحده در زمینه تزریق واکسن پیشرو بود اما از آن زمان به بعد میزان واکسیناسیون در این کشور شروع به کاهش کرد.

اعتراض‌های تونس؛ پارلمان تعلیق و نخست‌وزیر برکنار شد

کرد که قانون اساسی این کشور اجازه انحلال پارلمان را نمی‌دهد، اما اجازه تعلیق فعالیت‌های آن را در صورت خطر فوری می‌دهد.

تونس به شدت درگیر ویروس کرونا است به طوری که بیش از ۱۸ هزار بر اثر آن جان باخته‌اند در حالی که جمعیت تونس تنها ۱۲ میلیون نفر است.

گزارش‌ها حکایت از به خشونت کشیده شدن این اعتراضات دارد، به طوری که از یک سو پلیس اقدام به شلیک گاز اشک‌آور کرده و از سوی دیگر، معترضان نیز به سوی پلیس سنگ پرتاب کرده‌اند. چندین تن از معترضان نیز بازداشت شده‌اند.

قیس سعید، رئیس‌جمهور تونس در پیام خود عنوان

کردند و نسبت به شکست‌های دولت در مهار بحران‌هایی نظیر شیوع ویروس کرونا اعتراض کردند.

روز گذشته نیز هزاران معترض در پایتخت تونس مقابل پارلمان گرد هم آمدند و علیه حزب حاکم اسلام‌گرای النهضه و دولت المشیشی شعار دادند و خواستار انحلال پارلمان شدند.

اطلاعات روز: به دنبال اعتراض‌های گسترده به عملکرد دولت و پارلمان تونس، قیس سعید، رئیس‌جمهور تونس، هشام المشیشی، نخست‌وزیر این کشور، را برکنار کرد و فعالیت‌های پارلمان را به حالت تعلیق درآورد.

به گزارش رادیو فردا، هزاران تونسی در روزهای اخیر در چندین شهر این کشور علیه حزب حاکم تظاهرات



د کوهنی، اوبو لگولو او مالدار وزارت
وزارت زراعت، آبیاری و مالدار

پروژه زراعت و مالدار به اشتراک مردم (CLAP)

د افغانستان اسلامی جمهوری دولت
دولت جمهوری اسلامی افغانستان



«اطلاعیه تصمیم اعطای قرارداد»

بیدنوسیل به تاسی از فقره (۲) ماده چهل و سوم قانون تدارکات به اطلاع عموم رسانیده می‌شود، که پروژه زراعت و مالدار به اشتراک مردم CALP وزارت زراعت، آبیاری و مالدار در نظر دارد، که اطلاعیه تصمیم اعطای قرارداد، اعمار شبکه آبیاری تورراغه واقع قریه باره کاله ولسوالی رودات ولایت ننگرهار را با شرکت محترم (ساختمانی و سرکسازی شاهدراخل) دارای جواز نمبر (0-D-41337) آدرس - خانه ۱، کوچه ۲۷، کارته‌نو، مرکز کابل، کابل افغانستان به قیمت مجموعی (۱,۳۹۸,۶۱۱.۸) یک‌میلیون و سه‌صد و نود و هشت‌هزار و شش‌صد و یازده اعشاریه هشت افغانی اعطاء نماید.

اشخاص حقیقی و حکمی که هرگونه اعتراض در زمینه داشته باشند، می‌توانند اعتراض خویش را از تاریخ نشر این اعلان الی هفت روز تقویمی طور کتبی توأم با دلایل آن به آمریت تدارکات پروژه زراعت و مالدار به اشتراک مردم CLAP وزارت زراعت، آبیاری و مالدار واقع جمال‌مینه ناحیه سوم کابل، افغانستان طبق احکام ماده پنجاهم قانون تدارکات ارائه نمایند.

این اطلاعیه به معنی عقد قرارداد نبوده و الی تکمیل میعاد فوق‌الذکر و طی مراحل قانونی بعدی، قرارداد منعقد نخواهد شد.

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com

سردبیر چاپی: خادم‌حسین کریمی ۰۷۸۵۴۲۸۵۴۰

سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش

گزارش‌گران و خبرنگاران: ابوذکر ملک‌نژاد، جلیل رونق، سهراب سروش، عابر شایگان، عباس اسدیان، معصومه جعفری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس،

واجد روحانی و فریضه عالمی

بخش صلح: حسین‌علی کریمی، عباس عارفی و فاطمه فرامرز

مترجم: جلیل پژواک

ویراستار: شیر مهربار

صفحه آرا: محمدرضا مظفری

ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا شماره تماس: ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲ - ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com

ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

آدرس: کابل، کارته‌سه شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۱۸۷ توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

ارتش پاکستان و نگاه عمق استراتژیک به افغانستان

و استراتژیست‌های پاکستان، همیشه افغانستان را بخشی از قلمرو نیابتی خود تعریف کرده‌اند و سیاست‌های مشخصی را اعمال کرده‌اند. در سیاست رسمی و اعلامی پاکستان هندوستان دشمن تعریف شده است و همیشه نگرانی یا توهم از جانب افغانستان دارند که هندوستان از جغرافیای افغانستان علیه پاکستان استفاده می‌کند.

با این همه دیدگاهی از سوی پژوهشگران و مقامات پاکستانی در قبال سیاست عمق استراتژیک مطرح است. اما مقامات افغانستان، هنوز بحث جدی و سیاست تعریف‌شده‌ای را در قبال عمق استراتژیک پاکستان ندارند. حقیقت انکارناپذیر همین است که پاکستان برای افغانستان چالش‌های کلانی امنیت ملی ایجاد کرده است و نگذاشته تا روایت یک دولت ملی شکل بگیرد و پاکستانی‌ها از به‌وجود آمدن یک دولت ملی و مستقل در افغانستان هراس دارند که این دولت افغانستان با هندوستان هم‌دست می‌شود و بر قلمرو پاکستان ادعای عرضی و مرزی می‌کند. پاکستان همیشه از اصطلاح دولت دوست و اسلامی در افغانستان حمایت می‌کند و باور دارد وجود چنین دولتی به نفع پاکستان است. اما این تفکر نظامیان پاکستان با حقیقت‌های جامعه‌ی افغانستان نه تنها هم‌خوانی ندارد بلکه در تضاد است. در سال ۲۰۱۵ دو نهاد امریکایی، بورد نشراتی ایالات متحده و شرکت گلوب، در افغانستان یک نظرسنجی در خصوص محبوبیت کشورها در نظر مردم افغانستان راه‌اندازی کردند. در این نظرسنجی از کشورهای مختلف نام گرفته شده است. هندوستان با ۶۲ درصد محبوب‌ترین کشور و پاکستان با ۷.۳ درصد، منفرترین کشور جهان در نظر مردم افغانستان است. حتا گروه داعش نسبت به پاکستان محبوبیت بیشتر در این نظرسنجی دارد.

نتیجه‌گیری

در نتیجه درمی‌یابیم که در ذهنیت تصمیم‌گیران ارتش پاکستان که سیاستگذار اصلی در قبال هند و پاکستان است، سیاست عمق استراتژیک به معنایی حضور فیزیکی ارتش پاکستان در صورت شکست به قلمرو افغانستان نیست، بلکه به تعبیر پاکستانی‌ها و اظهارات نظریاتش که در بالا ذکر شد، عمق استراتژیک یعنی به‌وجود آمدن یک دولت اسلام‌گرای تندرو که در مخالف با دهلی‌نو و دوست نزدیک پاکستان باشد. سیاستگذاران پاکستانی باور دارند تا زمانی که یک دولت اسلام‌گرا به‌وجود نیاید، هر دولت دیگری که در افغانستان شکل بگیرد با هندوستان نزدیک است و این نزدیکی یعنی دشمنی با پاکستان. با گذشت سال‌ها و تغییرات جدی در داخل افغانستان و منطقه هنوز هم ارتشیان پاکستان سیاست عمق استراتژیک خود را در قبال افغانستان تغییر ندادند و از واقعیت‌های که در داخل افغانستان وجود دارد، چشم‌پوشی می‌کنند. در این میان تناقض دیگری هم وجود دارد: همان نظام اسلامی طرفدار اسلام‌آباد که ایده‌آل پاکستانی‌ها است، در زمان به قدرت رسیدن مجاهدین اتفاق افتاد. اما باز هم دیدیم که مجاهدین هم میانه‌ی خوبی با پاکستان نداشتند. اگرچه همان حکومت در پاکستان شکل گرفته بود. جالب‌تر این‌که مقامات افغانستان هنوز هیچ تعریف و اظهار نظر جدی در خصوص سیاست عمق استراتژیک پاکستان در قبال افغانستان نداشتند.



منطقه‌ای پاکستان به واسطه‌ی کنترل افغانستان از طریق یک جنبش بنیادگرایی است. دیتیزش ریتز، پژوهشگر جنوب آسیا، باور دارد که عمق استراتژیک پاکستان در افغانستان، مقابله با هندوستان از طریق جغرافیای افغانستان است. جنرال ضیال‌الحق، رییس‌جمهور نظامی پاکستان، عمق استراتژیک را دیواری کشورهای اسلامی در مقابل هندوستان می‌داند. جنرال اسلم بیگ، رییس ستاد ارتش پاکستان در زمان بی‌نظیر بوتو می‌گوید عمق استراتژیک یعنی به‌وجود آمدن یک رژیم دوست و اسلام‌گرا در کابل که به احساس ناامنی دایمی پاکستان نقطه‌ی پایان گذاشته و منابع نفوذ دولت‌های متخاصم در مناطق قبایلی در غرب این کشور شود و حکومت‌های افغانستان از روابط بسیار عمیق با دهلی‌نو پرهیز کنند. حسین حقانی، سفیر پیشین پاکستان در امریکا، در کتابش، پاکستان در میان مسجد و نظامیان، توضیح می‌دهد. فهم ارتش پاکستان از عمق استراتژیک و اضطراب ناشی از آن میراث استعماری بریتانیوی است که نیروهای انگلیسی این سیاست را در قبال مناطق سرحدی پیاده می‌کردند. رهبران پاکستان از سوی افغانستان ترس عینی نه بلکه نگرانی ذهنی دارند. اگر افغانستان از مناطق سرحدی پاکستان حمایت جدی کند، این کشور عملاً باید در دو جبهه و با دو همسایه بجنگد.

شاید آخرین اظهار نظر رسمی پاکستان درباره‌ی عمق استراتژیک از سوی جنرال کیانی، رییس ارتش در سال ۲۰۱۰ باشد. به باور جنرال پرویز اشرف کیانی، «پاکستان هیچ قصدی برای کنترل افغانستان ندارد، هیچ کس در طول تاریخ قادر نشده که افغانستان را به زیر سلطه خود درآورد. ما می‌خواهیم در افغانستان عمق استراتژیک داشته باشیم، اما این به معنای کنترل افغانستان نیست. اگر ما یک افغانستان آرام، باثبات و با روابطی دوستانه در کنار خود داشته باشیم، این امر خودبه‌خود عمق استراتژیک ما را تأمین می‌کند. چرا که مرزهای غربی ما امن خواهد بود و ما ناچار نخواهیم بود که مراقب دو جبهه باشیم.» نظامیان

پاکستان باشد.

وقتی اتحاد جماهیر شوروی با شورش روستاییان افغانستان مواجه شد، استراتژیست‌های پاکستان به عمق استراتژیک باورمند شدند. اما چیزی مهم دیگر که باید توضیح داده شود که تعریف پاکستانی‌ها از عقب‌نشینی فیزیکی نیروهای شان به افغانستان نیست؛ یعنی اگر ارتش پاکستان در مقابل هندوستان شکست بخورد، از مرزهای عبور بکنند و داخل افغانستان بیایند تا انسجام نیرو کنند و دوباره به جنگ با هندوستان بپردازند. پاکستان با هند مسأله‌ی کشمیر و با افغانستان موضوع دیورند را دارد. هراس پاکستانی‌ها از جغرافیای افغانستان به دلیل درگیر شدن هم‌زمان پاکستان در دو جبهه‌ی هندوستان و افغانستان است. از سوی دیگر پاکستان به شدت نگران‌اند که هندوستان در اتحاد با افغانستان پاکستان را تحت فشار قرار می‌دهد. موضوع دیگر که از همه مهم‌تر است، افغانستان در مقابل هندوستان به‌عنوان عمق استراتژیک پاکستان تعریف شده است. اگر فردای دشمنی میان هندوستان و پاکستان کاهش پیدا کند یا به روابط دوستی مبدل شود. دیگر افغانستان عمق استراتژیک پاکستان نخواهد بود.

تعریف و برداشت نظامیان از عمق استراتژیک

ارتش پاکستان از عمق استراتژیک تعریف‌های متفاوت دارند. رهبری ارتش و سیاستگذاران پاکستان درباره‌ی این‌که افغانستان عمق استراتژیک پاکستان است، اجماع دیدگاه دارند. اما برداشت‌های و اظهار نظرشان از عمق استراتژیک متفاوت و پیچیده است. حتماً استراتژیست‌های پاکستانی و غربی در مورد عمق استراتژیک، اختلاف نظر دارند. اولیور روه، دانشمند فرانسوی که متخصص جریان‌های اسلامی جنوب آسیا است، عمق استراتژیک را به‌عنوان چشم‌انداز استراتژیکی توصیف می‌کند و باور دارد که هدف از عمق استراتژیک که در زمان اشغال افغانستان توسط اتحاد شوروی شکل گرفت، هدف آن تحمیل نفوذ

عمق استراتژیک یا حیات خلوت دو واژه‌ای است که همیشه در ادبیات سیاسی و نظامی افغانستان کاربرد فراوان دارد. از کارشناس تا پژوهشگران و مقامات دولتی همیشه می‌گویند و می‌نویسند که پاکستان می‌خواهد افغانستان عمق استراتژیک این کشور باشد. اما واقعاً این عمق استراتژیک چیست و چرا هنوز دولت‌مردان افغانستان تعریف مشخصی از عمق استراتژیک پاکستان در افغانستان ندارند. در این مقاله می‌خواهیم که اصطلاح عمق استراتژیک پاکستان در قبال افغانستان را به بررسی بگیریم. اساساً این رویکرد چه زمان به‌وجود آمد؛ نظامیان و سیاسیون پاکستان چه تعریف و برداشتی از عمق استراتژیک در قبال افغانستان دارند. عمق استراتژیک در ادبیات نظامی به فاصله بین خط مقدم نبرد یا نواحی جنگی و مناطق اصلی غیرنظامی، مانند شهرها، مناطق مترامک از جمعیت‌های غیرنظامی، مناطق صنعتی و غیره گفته می‌شود. معمولاً فرماندهان نظامی آسیب‌پذیری این فاصله استراتژیک را در مقابل حملات دشمن ارزیابی کرده و براساس آن برنامه‌های دفاعی و عملیاتی خود را طراحی می‌کنند. نکته مهم دیگری که در این برنامه‌ریزی‌ها به آن توجه می‌شود این است که آیا یک ارتش در صورت تهاجم و پیشروی دشمن یک «عمق استراتژیک» مناسب در داخل قلمرو خود برای عقب‌نشینی و سپس انسجام نیرو و حمله دوباره به‌منظور عقب‌راندن دشمن را دارد. از نظر نظامی، عمق استراتژیک منطقه‌ای است که محل مناسبی برای عقب‌نشینی یک ارتش و انسجام دوباره آن باشد و در عین حال در تهدید پیشروی بیشتر نیروی دشمن نباشد و این عقب‌نشینی از نظر زمانی بتواند فرصت کافی جهت انسجام و پلان‌گذاری نظامی برای ارتش فراهم کند. به عبارت ساده‌تر عمق استراتژیک جایی است که اگر ارتش شکست بخورد به مکانی نیاز دارد که از تیررس دشمن به‌دور باشد و با یک عقب‌نشینی در مکان عمق استراتژی تا دوباره انسجام نیرو کند و حمله کند.

چرا افغانستان عمق استراتژیک تعریف شد؟

اصطلاح عمق استراتژیک، در زمان اشغال اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان از سوی نظامیان پاکستان در رقابت و شکست با هندوستان مطرح شد. هند و پاکستان بر سر موضوع کشمیر چهار بار با هم رویارویی کردند که پاکستان سه بار آغازگر جنگ بوده است و در هر چهار جنگ پاکستان، شکست خورده است. جنگ سوم هند و پاکستان در سال ۱۹۷۱، منجر به جدایی بنگلادیش از پیکر پاکستان شد و ارتش پاکستان به‌گونه‌ی تحقیرآمیز از هند شکست خورد و بیشتر ۹۰ هزار نیرو نظامی پاکستان به‌دست ارتش هندوستان اسیر شد. پس از این شکست حقارت‌بار پاکستان به فکر عمق استراتژیک افتاد و زمانی که شوروی به افغانستان حضور پیدا کرد، آهسته آهسته دست پاکستان به مسائل افغانستان باز شد. اظهارات نظامیان و سیاسیون پاکستان درباره‌ی افغانستان بیشتر شد و عملاً افغانستان را به‌عنوان عمق استراتژیک خود تعریف کردند. پاکستانی‌ها پس از تجزیه‌ی بنگلادیش به این فکر افتادند که باید جغرافیایی را به‌عنوان عمق استراتژیک خود تعریف کنند. فقط افغانستان می‌تواند محل مناسب برای برنامه‌های

	جمهوری اسلامی افغانستان اداره ملی تنظیم امور آب	ریاست عمومی مالی و اداری ریاست تدارکات آمریت تدارکات امور ساختمانی	د افغانستان اسلامی جمهوریت د اوبو د چارو تنظیم ملی اداره	
«اعلان تدارکات»				
<p>موضوع: اعلان پروژه ساختمانی:</p> <p>اداره ملی تنظیم امور آب از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت می‌نماید تا در پروسه داوطلبی اعمار تغذیه آب‌های زیرزمینی و جمع‌آوری آب باران در پوهنتون پولی تخنیک کابل اشتراک نموده و سافت شرطنامه و اسناد تخنیکي مربوطه را از وب‌سایت‌های اداره ملی تنظیم امور آب و اداره تدارکات ملی به دست آورده، آفرهای خویش را مطابق شرایط مندرج شرطنامه و طبق قانون و طرز‌العمل تدارکات طور سربسته از تاریخ نشر اعلان الی ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر تاریخ ۲۵/۰۵/۱۴۰۰ به امریت تدارکات امور ساختمانی - ریاست تدارکات بلاک پنجم منزل اول سرک دارالامان - سناتوریم، اداره ملی تنظیم امور آب تسلیم نمایند. آفرهای ناوقت رسیده و اینترنتی قابل پذیرش نمی‌باشد.</p> <p>تضمین آفر به صورت تضمین بانکی مبلغ ۴۵,۰۰۰ چهل و پنج هزار افغانی می‌باشد.</p>				

	د کوهنې، اوبو لگولو و مالداري وزارت وزارت زراعت، آبیاری و مالداري	معینیت مالی و اداری ریاست تهیه و تدارکات آمریت تدارکات اجناس و خدمات غیر مشورتی	د افغانستان اسلامی جمهوریت جمهوری اسلامی افغانستان	
«دعوت به داوطلبی روش باز ملی»				
<p>شماره دعوت به داوطلبی: MAIL/PD/NCB/G301/1400</p> <p>ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداري از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت می‌نماید تا در پروسه داوطلبی پروژه (تدارک ۵۴ قلم اجناس مختلف‌النوع مورد ضرورت ریاست عمومی منابع طبیعی) تحت شماره تشخیصیه (MAIL/PD/NCB/G301/1400) اشتراک نموده و آفرهای سربسته خویش را مطابق شرایط شرطنامه طبق قانون و طرز‌العمل تدارکات عامه الی ساعت ۱۰:۰۰ بجه قبل از ظهر روز یکشنبه مورخ ۳۱/۰۵/۱۴۰۰ رایه نمایند، آفرهای ناوقت رسیده و اینترنتی قابل پذیرش نمی‌باشد. تضمین آفر مبلغ (۱۰۰,۰۰۰) یک‌صدهزار افغانی طبق شرطنامه، و شرایط اهلیت (طبق ماده ۱۷ قانون تدارکات عامه) می‌باشد. آدرس مکان جلسه: اتاق جلسات آفرگشایی منزل دوم، تعمیر حفظ و مراقبت، عقب ریاست منابع بشری، وزارت زراعت، آبیاری و مالداري.</p> <p>داوطلبان می‌توانند اسناد مکمل داوطلبی را از وب‌سایت اداره تدارکات ملی www.npa.gov.af دانلود نمایند، در صورت عدم دانلود از وب‌سایت، می‌توانند شرطنامه را در سی‌دی یا فلش دیسک بشکل سافت و مجانی از امریت تدارکات اجناس و خدمات غیر مشورتی ریاست تهیه و تدارکات واقع تعمیر معینیت مالی و اداری منزل اول وزارت زراعت، آبیاری و مالداري بدست آورند.</p>				

پیش از این، سخن گوی وزارت پیشین انرژی و آب نیز در تاریخ ۱۶ سرطان ۱۳۹۶ خورشیدی به رسانه‌ها گفته بود که بیش از ۴۷ میلیون دالر برای پرداخت خساره و استملاک زمین در مسیر پروژه‌ی کاسا یک‌هزار در نظر گرفته شده است.

باین‌حال، عبدالله ساجد مسئول عمومی پروژه‌ی کاسا یک‌هزار می‌گوید که درباره‌ی این پول‌های یادشده، چیزی نمی‌داند و آنچه که نزد آنان ثبت رسمی است، تنها هشت میلیون دالر است.

این‌که چرا و چگونه این رقم از ۴۷ به ۲۳ و بلاخره به ۸ میلیون دالر اختصار یافته، هیچ‌کدام از این مسئولان در این باره جزئیات بیشتر و واضح‌تر ارائه نمی‌کنند.

آنچه که به باور میرویس عالمی رییس پیشین شرکت برق افغانستان، می‌توان در این باره اظهار خوش‌بینی کرد؛ اما موجودیت فساد را در این تناقض‌گویی‌ها رد نمی‌کند.

آقای عالمی، هشدار می‌دهد که در صورت موجودیت فساد و نهم‌پرداختن به‌وقت پول خساره و استملاک زمین‌های مردم، سرنوشت پایه‌های کاسا یک‌هزار نیز به روزگار پایه‌های برق وارداتی کابل گرفتار خواهد شد.

پایان اعتراض و آغاز دوباره‌ی پروژه، مشخص نیست

اعتراضی که به‌باور برخی از حقوق‌دانان در روشنی «قانون اساسی» و «قانون استملاک زمین» نافه‌ی دولت جمهوری اسلامی افغانستان، به‌خوبی می‌توان به‌راه‌حل آن پرداخت.

سبحان‌الله مصباح معاون اتحادیه حقوق‌دانان کشور می‌گوید که در مطابقت به‌این قانون، مسئولان پروژه مکلفاند تا پول خساره‌ی مردم را پیش از ساخت‌وساز و بهره‌برداری پروژه بپردازند و همان‌گونه که از مزایای پروژه اطلاع‌رسانی می‌کنند، از خطرها و زیان‌های اجتماعی و اقتصادی آن هم باید به‌مردم آگاهی بدهند. در غیر این‌صورت، قانون‌شکنی شده است.

چنان‌که در بند اول ماده‌ی ۳۷ قانون استملاک زمین، آمده است:

«اداره‌ی استملاک کننده مکلف است، تعویض ملکیت استملاک شده را به مالک و مصارف آن را به متصرف و متضرر، قبل از تطبیق پروژه تادیه نماید.»

بند ۲ ماده ۱۸ این قانون نیز، حکم می‌کند که هرگاه اداره‌ی استملاک کننده به‌منظور تطبیق پروژه‌ی نصب پایه‌ها یا جنکشن برق، آنتن مخابرات، رادیو و تلویزیون، دستگاه‌های تخیکی و امثال آن به‌ساحه‌ی کمتر از یک‌هزار مترمربع ضرورت داشته باشد، می‌تواند ساحه را براساس سند مدار اعتبار مالک و با کسب رضایت وی خریداری کند.

همچنان ماده‌ی ۳۴ این قانون در مورد اعتراض بر تصمیم اداره‌ی استملاک کننده، چنین صراحت دارد که هرگاه مالک ملکیت تحت استملاک قناعت نداشته باشد، می‌تواند در خلال ۶۰ روز اعتراض خود را با ذکر دلایل به اداره‌ی استملاک کننده ارایه کند. اداره‌ی استملاک کننده نیز در خلال ۳۰ روز مکلف است به‌آن رسیدگی نموده و تصمیم اتخاذ نماید. در صورت عدم قناعت مالک، موضوع به هیات منصفه محول گردیده و تصمیم هیات نهایی خواهد بود. اگر بازهم مورد قناعت طرفین نبود، به محکمه‌ی ذیصلاح محول خواهد شد.

آنچه که به باور برخی از آگاهان امور و نمایندگان مردم در شورای ملی کشور، مسئولان پروژه مکلف اند تا در پرتو قوانین نافه‌ی کشور به راه‌حل اعتراض‌ها پرداخته و در پیوند به هر قدم از پیشرفت کار پروژه، پاسخ‌گو باشند.

کاسا یک‌هزار متوقف است؛

حق مالکیت و جبران خساره‌ی مردم کجاست؟



احمد میرزا یکی از باشندگان معترض در ولسوالی عنابه‌ی ولایت پنجشیر که به‌گفته‌ی خودش، چندین جریب کشت‌زار للمی و درختان مثمر و غیرمثمر شان در مسیر موردنظر و زیر تاثیر مستقیم پایه‌ها قرار خواهد گرفت، به خبرنگار پیک می‌گوید:

«تا زمانی که پول استملاک و خساره ما نقد پرداخته نشود، هیچ پایه‌ی در این جا نصب نخواهد شد.»

او هرچند از مجموع خساره‌ی احتمالی اش چیزی نمی‌داند؛ اما در سند‌های استملاک زمین و جای داده‌های شخصی ولایت پنجشیر، آمده است که بلندترین قیمت یک جریب زمین براساس نوعیت و موقعیت (شهری، روستایی، رهاپشی، کشاورزی، تجاری...) تا سه میلیون افغانی و پایین‌ترین تا ۱۵۰ هزار افغانی است. به‌گفته‌ی مسئولان پروژه، محاسبه و پرداخت خساره نیز براساس همین قیمت‌گذاری‌ها و تصمیم نهایی هیات فنی صورت خواهد گرفت. مسئولان پروژه‌ی کاسا یک‌هزار، آمار متفاوت از هزینه‌ی مجموعی استملاک ملکیت‌های شخصی در مسیر این پروژه و سهم هر ولایت ارایه می‌کنند و می‌افزایند که نزدیک به ۳۵ میلیون افغانی سهم ولایت پنجشیر در نظر گرفته شده است.

اما جواد نوری مسئول پروژه‌ی کاسا یک‌هزار در ولایت پنجشیر، می‌گوید که هیچ پولی در پیوند به خساره و استملاک زمین به‌این ولایت تخصیص نیافته و سیستم پرداخت هم طوری است که پول به ولایت‌ها انتقال نمی‌یابد، بل که از طریق وزارت مالیه به‌گونه‌ی مستقیم به حساب بانکی افراد واریز خواهد شد.

از سوی دیگر، اسناد و داده‌های معلوماتی پروژه‌ی کاسا یک‌هزار نشان می‌دهد که هزینه‌ی مجموعی پرداخت خساره و استملاک زمین‌های مردم در مسیر این پروژه به بیش از ۲۳ میلیون دالر معادل بیش از یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون افغانی می‌رسد که از بودجه‌ی ملی کشور تمویل خواهد شد.

اما عبدالمتین آراین مسئول اطلاع‌رسانی وزارت مالیه، این رقم را بیشتر از ۴۷ میلیون دالر خوانده و گفته است که این پول به‌منظور جبران خساره، اسکان مجدد و استملاک زمین و ملکیت‌های شخصی در مسیر پروژه‌ی کاسا یک‌هزار از بودجه‌ی ملی اختیاری دولت افغانستان در نظر گرفته شده است.

شکایت دریافت کرده‌اند که به هفت شکایت جنجالی آن در چهار ولایت، هنوز رسیدگی نتوانسته‌اند. او می‌افزاید که شماری از معترضان، خواهان پیش‌پرداخت پول استملاک و جبران خساره‌ی شان هستند؛ اما در مورد جزئیات و هویت افراد مربوط به‌این پرونده‌های جنجالی چیزی نمی‌گوید. آنچه که به باور میرویس عالمی رییس پیشین شرکت برق افغانستان، تخطی از قانون در پروسه‌ی استملاک خوانده شده است. به‌گفته‌ی آقای عالمی، یک نمونه‌ی زنده از پروسه‌ی استملاک غیرقانونی در ایجاد و نصب جنکشن برق ارغندی در غرب کابل را به‌خاطر دارد که دو سال از بهره‌برداری پروژه گذشته و تا‌هنوز پول استملاک زمین آن پرداخته نشده است. محمد زلمی نوری نماینده مردم پنجشیر در مجلس نمایندگان نیز، روند ثبت ملکیت‌های استملاک‌شده‌ی مسیر کاسا یک‌هزار را به‌دیده‌ی شک نگریسته و تاکید می‌کند که افزون بر اعتراض و اختلاف‌نظرها بر سر ملکیت‌های مردم، هیچ‌گونه آگاهی قانونی و حقوقی درباره‌ی سودوزیان‌های اجتماعی و اقتصادی پروژه‌ی کاسا یک‌هزار به‌مردم داده نشده است.

آقای نوری می‌افزاید که تاکنون در پیوند به اختلاف نظرهای استملاک، بیش از ۲۰۰ شکایت دریافت کرده‌اند. در چهار ولایت، هنوز رسیدگی نتوانسته‌اند. او می‌افزاید که شماری از معترضان، خواهان پیش‌پرداخت پول خساره‌ی شان هستند.

در حالی که به‌گفته‌ی مسئولان پروژه‌ی کاسا یک‌هزار، بودجه‌ی کافی برای جبران خساره، استملاک و اسکان مجدد در نظر گرفته شده و تا‌هنوز به هیچ فرد متضرر بدیل جای‌داد و هزینه‌ی استملاک پرداخت نشده؛ اما شماری از شهروندان معترض، افزون بر ادعای دست‌برد در ملکیت‌های شان، هشدار داده‌اند که بدون پیش‌پرداخت خساره، به‌کارمندان و مسئولان پروژه‌ی کاسا یک‌هزار در حریم ملکیت‌های شان اجازه‌ی کار نخواهند داد.

اختصار و چندگانگی بودجه‌ی استملاک و خساره...

در حالی که به‌گفته‌ی مسئولان پروژه‌ی کاسا یک‌هزار، بودجه‌ی کافی برای جبران خساره، استملاک و اسکان مجدد در نظر گرفته شده و تا‌هنوز به هیچ فرد متضرر بدیل جای‌داد و هزینه‌ی استملاک پرداخت نشده؛ اما شماری از شهروندان معترض، افزون بر ادعای دست‌برد در ملکیت‌های شان، هشدار داده‌اند که بدون پیش‌پرداخت خساره، به‌کارمندان و مسئولان پروژه‌ی کاسا یک‌هزار در حریم ملکیت‌های شان اجازه‌ی کار نخواهند داد.



و جای داده‌های شان را به‌صورت کلی از دست خواهند داد. همچنان در این مسیر، بیشتر از ۵۰۰ سازه‌ی مسکونی و تجاری، نزدیک به ۱۰۰۰ درخت چوب و ۴۷۰ درخت میوه نیز، از بین خواهند رفت.

مسئولان پروژه‌ی کاسا یک‌هزار، می‌گویند که پروسه‌ی استملاک زمین‌های دولتی در مسیر پایه‌های این پروژه تکمیل شده و تنها ساحات مسکونی، کشاورزی، تجاری، شهری و روستایی که بیشتر از ده درصد کل ساحه‌ی استملاک را

دربر می‌گیرد، از مدتی به این‌سو به‌دلیل جاروجنجال‌های مردم به تاخیر افتاده است. سند‌های به‌دست‌آمده از ثبت و استملاک زمین در یکی از هفت ولایت مسیر کاسا یک‌هزار (پنجشیر)، نشان می‌دهد که تنها ۲۱ محل نصب پایه‌ها «ملکیت شخصی» و بیشتر از ۲۴۰ محل دیگر «ملکیت دولتی» ثبت شده است.

این داده‌ها در حالی به ثبت رسیده که به‌گفته‌ی حاجی غلام‌سروز از بزرگان محلی ولسوالی عنابه‌ی ولایت پنجشیر، مشمول خودش ۱۳۵ خانواده‌ی ساکن در یک روستای این ولسوالی زیر تاثیر مستقیم این پروژه قرار گرفته‌اند؛ اما کارمندان پروژه بدون در نظر داشت حریم ملکیت‌های مردم، تنها ۴۰۰ مترمربع ساحه‌ی نصب هر پایه را استملاک می‌کنند و این قابل قبول نیست.

در این حال، معراج‌الدین نوری معاون اجتماعی پروژه‌ی کاسا یک‌هزار، می‌پذیرد که در برخی از ولایت‌ها «معیار» در نظر گرفته نشده و بنا بر نیازمندی بین ۱۵۰ تا ۴۰۰ مترمربع ساحه‌ی نصب پایه و تا ۵۲ متر پهن دوطرف پایه به‌ثبت رسیده است. اما سند‌های ثبت استملاک در ولایت پنجشیر، تنها ۴۰۰ مترمربع ساحه‌ی نصب پایه را به‌طور «قلمی» نشان می‌دهد.

آقای نوری می‌افزاید که تاکنون در پیوند به اختلاف نظرهای استملاک، بیش از ۲۰۰

میلیارد دالری انتقال انرژی برق در آسیای مرکزی، برای نخستین بار در سال ۱۳۸۴ خورشیدی در نشست همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای (ریکا) مطرح شد و سرانجام با امضای توافق‌نامه‌ی مشترک میان کشورهای افغانستان، پاکستان، تاجیکستان و قرغیزستان در سال ۱۳۹۸ خورشیدی کار عملی آن در افغانستان آغاز شد.

این پروژه که لین ۱۳۰۰ میگاوات برق تاجیکستان و قرغیزستان را از طریق نصب کم‌از کم ۱۷۰۰ پایه (تاور) در خاک افغانستان (کنده، بغلان، پروان، کاپیسا، پنجشیر، لغمان و ننگرهار) عبور داده و به پاکستان انتقال می‌دهد، بر بنیاد گزارش‌ها و وعده‌های مسئولان دولت افغانستان، قرار بود پیش از فرارسیدن بهار ۱۴۰۰ خورشیدی به بهره‌برداری برسد؛ اما به‌دلیل مشکل استملاک زمین و عقب‌مانی کار پروژه در پاکستان که متصدی اصلی کاسا یک‌هزار در منطقه است، این پروژه تا سال ۲۰۲۳ میلادی تمدید شده است.

عبدالله ساجد، مسئول عمومی پروژه‌ی کاسا یک‌هزار در شرکت برق افغانستان، به‌خبرنگار پیک می‌گوید که تاکنون ۶۰ درصد کار این پروژه در خاک افغانستان پیش رفته، اما بنا بر اعتراض‌های مردمی مبنی بر استملاک جای داده‌هایشان، این پروژه اکنون متوقف است. به‌گفته‌ی این مسئولان، از میان ۲۵ ولسوالی مسیر پروژه در ولسوالی‌های (خان‌آباد، بورکه، نهرین، پل‌حصار، جلگه، نجراب، تگاب، بادبیش و لعل‌پور) بدون اجازه‌ی طالبان کاری کرده نمی‌توانند.

استملاک غیرقانونی و اعتراض مردم

بر بنیاد اسناد و داده‌های معلوماتی پروژه‌ی کاسا یک‌هزار، حریم خط انتقال برق یا کلی ساحه‌ی استملاک زمین برای تطبیق پروژه در خاک افغانستان، به ۳۹۹۰ هکتار می‌رسد که از این میان، ۳۵۵ هکتار آن را ساحه‌ی کشاورزی و ۲۷ هکتار دیگر آن را ساحه‌ی مسکونی و تجاری تشکیل داده است.

براساس این سند‌ها، یک‌هزار و ۶۸۶ محل استملاک در هفت ولایت شرقی و شمال‌شرقی کشور برای نصب پایه‌ها در نظر گرفته شده که از این میان، تنها ۵۱۰ محل آن ملکیت شخصی و باقی همه ملکیت دولتی به ثبت رسیده است.

این پروژه در کل، ۱۰۸۷ خانواده را در مسیر لین انتقالی برق ۱۳۰۰ میگاوات زیر تاثیر قرار داده و در این میان، بیشتر از ۳۷۰ خانواده، زمین‌ها

عبدالمطلب فراچی، مرکز خبرنگاری تحقیقی پیک

اشاره: این گزارش توسط مرکز تحقیقی پیک تهیه شده و اطلاعات روز در یک تفاهم رسانه‌ای این گزارش را نشر می‌کند. مسئولیت محتوایی و حقوقی این گزارش برمی‌گردد به مرکز خبرنگاری تحقیقی پیک.

پروژه‌ی کاسا یک‌هزار به‌دلایل نامنی، حاکمیت طالبان در برخی از ولسوالی‌های مسیر پروژه و استملاک غیرقانونی حریم زمین و جای داده‌های مردم، از چندین ماه به این‌سو متوقف است.

در یک بررسی تازه پیرامون کار و پیشرفت پروژه‌ی کاسا یک‌هزار در افغانستان، سند‌ها و معلوماتی که در اختیار مرکز خبرنگاری تحقیقی پیک قرار گرفته، نشان می‌دهد که نه تنها برخی از ملکیت‌های مردمی (للمی و روستایی) ساحه‌ی زیر تاثیر و آسیب‌پذیر پایه‌ها، بزیر نام «زمین دولتی» به ثبت رسیده است، بلکه به‌گفته‌ی برخی از باشندگان و بزرگان محلی، هیچ‌گونه اطلاع‌رسانی و آگاهی‌دهی در خصوص سود و زیان این پایه‌ها از سوی مسئولان پروژه برای آنان داده نشده و به همین دلیل، کار استملاک زمین را در مناطق حریم جای داده‌های شان متوقف ساخته‌اند.

«کاسا یک‌هزار» به‌عنوان بزرگ‌ترین پروژه‌ی میلیارد دالری انتقال انرژی برق در آسیای مرکزی، برای نخستین بار در سال ۱۳۸۴ خورشیدی در نشست همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای (ریکا) مطرح شد و سرانجام با امضای توافق‌نامه‌ی مشترک میان کشورهای افغانستان، پاکستان، تاجیکستان و قرغیزستان در سال ۱۳۹۸ خورشیدی کار عملی آن در افغانستان آغاز شد.

این پروژه که لین ۱۳۰۰ میگاوات برق تاجیکستان و قرغیزستان را از طریق نصب کم‌از کم ۱۷۰۰ پایه (تاور) در خاک افغانستان (کنده، بغلان، پروان، کاپیسا، پنجشیر، لغمان و ننگرهار) عبور داده و به پاکستان انتقال می‌دهد، بر بنیاد گزارش‌ها و وعده‌های مسئولان دولت افغانستان، قرار بود پیش از فرارسیدن بهار ۱۴۰۰ خورشیدی به بهره‌برداری برسد؛ اما به‌دلیل مشکل استملاک زمین و عقب‌مانی کار پروژه در پاکستان که متصدی اصلی کاسا یک‌هزار در منطقه است، این پروژه تا سال ۲۰۲۳ میلادی تمدید شده است.

عبدالله ساجد، مسئول عمومی پروژه‌ی کاسا یک‌هزار در شرکت برق افغانستان، به‌خبرنگار پیک می‌گوید که تاکنون ۶۰ درصد کار این پروژه در خاک افغانستان پیش رفته، اما بنا بر اعتراض‌های مردمی مبنی بر استملاک جای داده‌هایشان، این پروژه اکنون متوقف است. به‌گفته‌ی این مسئولان، از میان ۲۵ ولسوالی مسیر پروژه در ولسوالی‌های (خان‌آباد، بورکه، نهرین، پل‌حصار، جلگه، نجراب، تگاب، بادبیش و لعل‌پور) بدون اجازه‌ی طالبان کاری کرده نمی‌توانند.

استملاک غیرقانونی و اعتراض مردم

بر بنیاد اسناد و داده‌های معلوماتی پروژه‌ی کاسا یک‌هزار، حریم خط انتقال برق یا کلی ساحه‌ی استملاک زمین برای تطبیق پروژه در خاک افغانستان، به ۳۹۹۰ هکتار می‌رسد که از این میان، ۳۵۵ هکتار آن را ساحه‌ی کشاورزی و ۲۷ هکتار دیگر آن را ساحه‌ی مسکونی و تجاری تشکیل داده است.

براساس این سند‌ها، یک‌هزار و ۶۸۶ محل استملاک در هفت ولایت شرقی و شمال‌شرقی کشور برای نصب پایه‌ها در نظر گرفته شده که از این میان، تنها ۵۱۰ محل آن ملکیت شخصی و باقی همه ملکیت دولتی به ثبت رسیده است.

این پروژه در کل، ۱۰۸۷ خانواده را در مسیر لین انتقالی برق ۱۳۰۰ میگاوات زیر تاثیر قرار داده و در این میان، بیشتر از ۳۷۰ خانواده، زمین‌ها